

نگرش و کارایی نوین برای محیط کار شما

Aficio FX10

کی-فاکس-چاپگر-اسکنر-مودم
همه یکجا در یک دستگاه

Aficio FX10
RICOH
DIGITAL SOLUTIONS

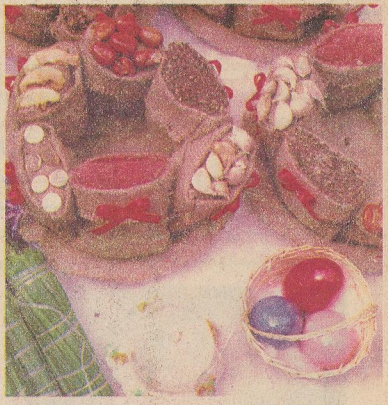
نمایندگی انحصاری
بزرگترین عرضه کننده ماشین‌های اداری در ایران



نوروز بر مردم ایران مبارک باد

فرا رسیدن فصل بهار و فصل تنفس زمین و حضور سبز خداوند بر مردم ایران مبارک باد. نوروز ایرانی، آغاز زندگی سالانه طبیعت و زندگی جهان است. ما سالیان دور است که این سنت ملی را که به رنگ دین مزین شده است به عنوان بخشی از هویت ایرانی پذیرفته ایم.

تحریریه نشاط و کلیه کارکنان روزنامه فرا رسیدن نوروز باستانی را به هموطنان گرامی شادباش می‌گویند.



در يك نگاه

- آزمون خویشتنداری برای محافظه کاران و اصلاح طلبان - ص ۷
- بحران محافظه کاران از منظر اوضاع جهانی - ص ۶
- سالی که گذشت از نگاه روزنامه نگاران - ص ۱۱، ص ۱۲
- گفتگو با غلامحسین صالحیار - ص ۹
- مطبوعات ایران در سالی که گذشت - ص ۸
- گفتگو با امیرحسین چهل تن - ص ۱۵
- بهترین مقالات مطبوعات جهان - ص ۱۷ و ص ۱۸
- صدای شکستن نور / علی اشرف درویشیان - ص ۱۶
- گفتگو با حسام‌الدین امامی - ص ۱۹
- ورزش ایران در سالی که گذشت - ص ۲۰
- و نوشته های دیگر از نویسندگان نشاط



ایران سیاست ۱۳۷۷

عکس ها از:
مجید سعیدی



موسسه پویا مشاور

پیوااسطه

دفتر امور ثبتی : تاسیس ، انملا ، علامت ، تضریرات ، نقل وانتقال سهام ، سهم الشرکه ، اخذ کارت بازرگانی و کد اقتصادی (مقیقی و مقوقی) ، پلمپ دفاتر .

دفتر امور شرکتهای خارجی : ثبت شعب و نمایندگی شرکتهای خارجی ، ثبت شرکتهای مفتکلا (ایرانی و خارجی)

دفتر مالی و مالیاتی : مسابرداری شرکتهای مشاوره مالیاتی قبول تصفیه دعاوی مالیاتی و اظهار نامه مالیاتی .

این موسسه آمادگی دارد تا کلیه امور ثبتی و مالی اشخاص مقیقی و مقوقی را توسط کارشناسان موسسه مستقیم و بدون واسطه به انجام رساند .

مشاوره رایگان

فکس : ۸۸۴۳۸۶۵ تلفن : ۸۸۴۱۰۳۹

کاغذ دیواری پی وی سی

پلاسکا

صد در صد قابل شستشو ، با دوام در طرحها و رنگهای متنوع

به زیبایی رنگین کمان

دوام و زیبایی ، صرفه جویی در وقت و پول

ارمغان پلاسکا برای خانواده ها و انبوه سازان

دفتر مرکزی : تلفن ۰۲۵۱-۳۵۳۳۵۰۷ و ۰۲۵۱-۳۱۴۱۴۰۳۵۱ • نمابر : ۰۲۵۱-۳۷۱۱۸۰۳۵۱

مرکز بخش تهران : تلفن ۰۲۱-۶۷۰۳۱۳۴ • ۰۲۱-۶۷۰۱۰۲۱

چهارراه کالج ، پیش پمپ بنزین حافظ

[illegible][illegible]

၁၃၄၈ ခုနှစ်၊ ဇန်နဝါရီလ

[illegible]

Երևանի քաղաքապետարանի քաղաքացիական ծառայության ղեկավար
 Գրիգոր Բաբայան
 Երևան, 2017 թ. 07.07

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

مطهرات ایران از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸

TANDOL

אני חושב על אהבה

אני חושב על אהבה

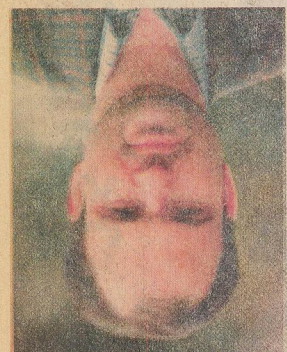
אני חושב על אהבה

TANDOL

אהבה

[illegible]

۱۱۶ - ۴۴۱ - ۴۴۱
 ۲۱۶ - ۴۴۱ - ۴۴۱
 ۴۴۱ - ۴۴۱
 ۴۴۱ - ۴۴۱
 ۴۴۱ - ۴۴۱
 ۴۴۱ - ۴۴۱
 ۴۴۱ - ۴۴۱
 ۴۴۱ - ۴۴۱

[illegible][illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

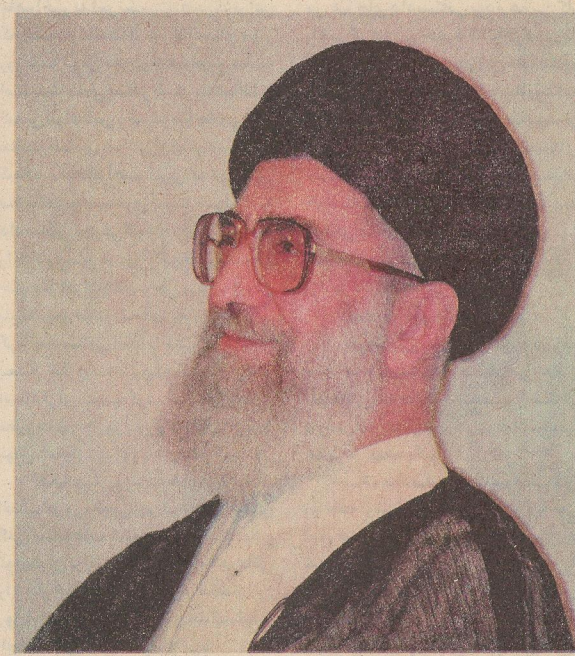
[illegible][illegible]

جی رہنے کے جگہ اور جیسے

ॐ नमो भगवते वासुदेवाय

در قانون یا بر قانون؟

بحث اختیارات رهبری در سال ۷۷ فراز و فرود زیادی را طی کرد. این بحث هنگامی اوج گرفت که دادگاه ویژه روحانیت با دستگیری دو چهره اصلاح طلب: اسدالله بیات و محسن کدبور خود را در مظان نقد و نظرهای بسیاری قرار داد. این نقدها فارغ از محتوای خود به یک مقصد ختم

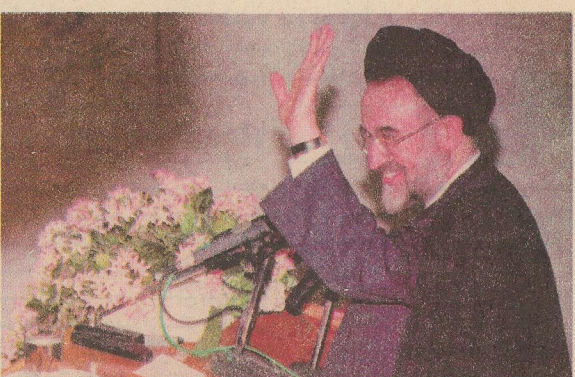


می شدند: میحت اختیارات رهبری که اجمالاً در دو گزینه در قانون بودن یا بر قانون بودن (اختیارات فراقانونی) خلاصه می شد و نکته جالب توجه آنکه طرفداران هر دو گزینه به اصول قانون اساسی، افعال امام خمینی و مقام رهبری استناد می کردند. افزون بر دادگاه ویژه روحانیت در سال ۷۷ دیگر نزاع هایی از این دست میان درگاه و دیوان به وقوع پیوست. چنانکه در مقطعی صدا و سیما با برنامه چراغ در نقطه مستقیم و مقابل دولت قرار گرفت و اش آن چنان شور شد که آشنیز: رئیس سازمان طی اطلاعیه‌ای رسمی از رئیس جمهوری پوزش خواست و به این شکل بار دیگر به هیأت دولت (که از آن اخراج شده بود) بازگشت. با وجود این هنوز افکار عمومی باور نکرده است این نهاد خارج از کنترل دولت در برابر آن قرار ندارد. برخوردهای قوه قضاییه با دولت بویژه شهردار تهران نیز از همین زاویه قابل ملاحظه است برخوردهایی که پس از آن در شکل درگیری محتمل و تحت پیگیری برخی از مقام های انتظامی با اعضای کابینه اوج گرفت. (پرونده نقدی سال آینده در دادگاه های تهران بررسی خواهد شد).

رئیس جمهوری خوشبختدارتر از همه

اگر بخواهیم صفت خوشبختداری را به یک نفر در سال ۷۷ منسوب کنیم بی گمان خاتمی مناسب ترین انتخاب خواهد بود. رئیس جمهوری خاتمی در حالی قدم به سال ۷۷ گذارد که سه تن از اعضای کابینه خود را از دست داده بود: دونفر (کرباسچی و نوری) خارج از اراده اووبرخلاف خواست او و نفر سوم (دری نجف آبادی) با رضاینتی پنهان، اما دردناک. دردناک تر این که دومین وزیر او نیز انتخاب نخستین خاتمی برای وزارت اطلاعات نیست. با وجود این خوشبختداری رئیس جمهوری تنها در برخورد

محافظه کاران با هواداران و همکاران او نمود نیافت است. هنگامی که پس از مراسم سالگرد دوم خرداد در دانشگاه تهران هجوم محافظه کاران به شخص خاتمی شروع شد و حتی آیت الله خزعلی او را به توبه فراخواند و دوم خرداد را به آبله مرغان انقلاب تشبیه کرد، از رئیس جمهوری سختی جز سکوت نشنیدند. گرچه اینک خاتمی کمتر می خندد،



اما هنوز خوشبختداری خود را از دست نداده است. چنانکه در برابر مشکلات اقتصادی در جمع طلاب و روحانیان طرفدار خود چاره‌ای جز سوگند به جدش برای اثبات صداقت خود نیافت. اما واقعیت این است که خاتمی نیز در برخی روزهای سال ۷۷ صدای خود را بالا برد و لحن خود را جدی تر کرد؛ هنگامی که در دانشگاه شریف و در جمع دانشجویان گفت: «با کسی شوخی ندارم». برخی مخالف آگاه می گویند که خاتمی حداقل یک بار دیگر و هنگامی که وزارت اطلاعات را مجبور به صدور اطلاعیه‌ای در پذیرش مسئولیت قتل های‌روشنفکران کرد، همین لحن را به کار برده است. با وجود این رئیس جمهوری خاتمی به همان میزان که در داخل زیر فشار محافظه کاران قرار گرفته توانسته است با حضور در جهان خارج، ظرفیت های جدیدی را در سیاست خارجی ایران نشان دهد. همین موفقیت موقعیت او را به عنوان یک پدیده بین المللی در آستانه تثبیت قرار داده است. خاتمی سال ۷۷ را با دو سفر به نیویورک و رم پشت سر گذارد. گفته می شود در نیویورک اشتیاق بسیاری از جانب دولت آمریکا برای دیدار با او نشان داده شده است. چنان که ایرانیان مهاجر نیز از تأکید او بر شعار ایران برای همه ایرانیان بسیار استقبال کرده‌اند. هنگامی که خاتمی قدم به رم گذارد، احتمالاً آ از نهاد بسیاری افراد از جمله رئیس جمهوری سابق برآمد. چرا که هاشمی رفسنجانی تلاش بسیاری کرده بود تا اولین رئیس جمهوری ایران عازم اروپا باشد و حتی میتران را در مرز سفر به ایران و اقدام متقابل قرار داده بود. البته بیش از این یک رئیس جمهوری دیگر (بنی صدر) از ایران به سوی اروپا پرواز کرده بود، اما از سر اضطرار و گریز؛ پروازی که از سوی بسیاری در دوسال اخیر تلاش شد تا خاتمی نیز مسافر آن باشد.

سکوت ناطق

ساکت ترین چهره سیاسی ۷۷ علی اکبر ناطق نوری رئیس مجلس و رقیب شکست خورده سید محمد خاتمی بود.

ناطق نوری که پس از پیام تبریک خود به خاتمی در نیمروز سوم خرداد ۷۶ در سکوت فرو رفت، در پناه این سکوت به آرامی ریاست دومین و سومین دوره مجلس را به اشاره و کنایه حفظ کرد. باوجود این وی در دو سخنرانی جنجالی خود به بیان صریح مواضع خود پرداخت. اولین بار در

ایران ۷۷

آزمون خویشتنداری برای محافظه کاران و اصلاح طلبان

محمد قزنجی

اگر سال ۷۶ را سال آغاز دور جدیدی از رویارویی محافظه کاران و اصلاح طلبان ایرانی در نظر بگیریم بی شک سال ۷۷ با باید سال شفاف تر شدن این رویارویی به حساب آرد. چه در این سال بازار سیاست ایران بیش از هر زمان دیگری داغ بود و فراز و فرودهای بسیاری را طی کرد. در این میان بیش از همه، رفتارشناسی دوجانح جالب توجه است: در حالی که محافظه کاران با شتاب و پرخشم سالی دیگر را پشت سر گذاشتند، اصلاح طلبان آزمون صبر را پشت سر می گذرانند و جالب این جاست که گرایش های افراطی در هیچ یک نمی تواند به «رادیکالیزه» شدن لایه های اصلی جناح ها بنجامد.

گویا هنوز هزینه خشونت بیش از حدی است که جناح ها قادر به پرداخت آن باشند. از این حیث اصلاح طلبان در معرض آزمون و خطاهای پرمخاطره تری قرار دارند. هجوم های بیابیی پیاده نظام جناح محافظه کار و تاکتیک های اصلاح طلبان در جاخلی دادن، عرصه نزاع را به تعقیب و گریزهای پارتیزانی بدل ساخته است که بی شک طرفداران واکنش سریع (و قاطع) را در جبهه اصلاح طلبان (بویژه لایه های چپ آن) نه تنها ارضا نمی کند، بلکه به واژگی سیاسی و بعضاً رادیکالیزم خشن سوق می دهد. از سوی دیگر، متحدان افراطی محافظه کاران نیز بسیار اشتیاق دارند تا کار را یکسره کنند و گرچه راه کاری به این عمق و خشونت اصولاً با مزاج محافظه کاران سازگار نیست، اما نمی تواند در انباشت خشم در درون آنان بی تأثیر باشد.

اینک هر دو جناح در میانه آزمونی سخت برای تحمل یکدیگر قرار گرفته‌اند. سال ۷۷ از این زاویه سالی برای آزمون خویشتنداری محافظه کاران و اصلاح طلبان بوده است، آزمونی که بی شک نتیجه آن در ترسیم آینده اصلاحات دموکراتیک در ایران سر نوشت ساز خواهد بود.

تشبیه وضعیت ایران پس از دوم خرداد به شوروی پس از گلاسنوست و دومین بار پس از افشای قاتلان روشنفکران و در دوبرار چنان سخن گفت که یادآور شکست دوم خرداد (البته از منظر ناطق) بود.

قاضی عصایی

به همان میزان که رئیس جمهوری در برخورد با وقایع سال ۷۷ از خود شکیبایی نشان داد، محمد یزدی رئیس قوه قضائیه ناشکیبا بود. وی در خطبه های نماز جمعه امسال خود از تمثیل هایی چون اشک تمساح (برای اعضای مجمع روحانیون مبارز)، خرده واژه هایی چون شهرداری چی و روزنومه چی و نیز عباراتی چون: «غلط می کنی» استفاده کرد. یزدی در پایان سال در مصاحبه ای با خبرنگاران به طور ضمنی اعلام کرد که دیگر در این مقام نخواهد بود. بنابر این شاید خرداد سال ۷۸ آخرین مهلت ریاست او بر قوه قضائیه باشد.

دولت سوم

ساختار دولت در جمهوری اسلامی افزون بر دو نهاد تحت امر رهبری و رئیس جمهوری در سال ۷۷، به تدریج قالب سومی نیز پیدا کرد که ریاست آن برعهده علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری پیشین و رئیس کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام بود.

دوره قدم این نهاد که از قریب به دو سال پیش آغاز شده اینک به شکل یک دولت تثبیت گشته است. در سال ۷۷ مجمع تشخیص مصلحت دارای کمیسیون هایی مشابه وزار تخانه های کابینه رسمی شد و دیدار رئیس مجمع در زمره یکی از برنامه های رسمی میهمانان خارج یی قرار گرفت. هاشمی رفسنجانی در سال ۷۷ نیز در نقش یک متعادل کننده قدرت جناح ها ظاهر شد و مهم ترین بازی خود را در این نقش در جریان انتخابات خبرگان بازی کرد: لحظه ای پس از دیدار وی با سران حزب کارگزاران، در جبهه دوم خرداد شکافی پدید آمد و این حزب با تمام نیرو وارد انتخابات شد. برخی از آگاهان می گویند که توصیه هاشمی به کارگزاران در جدا کردن حساب خود از چپ گرایان یک توافقی استراتژیک میان رهبر معنوی این حزب و لیبر محافظه کاران بوده است. توافقی که چندی بعد در ارگان تشویریک جریان راست افراطی افشا شد و از آن به عنوان یک موقعیت در جبهه مخالف با دوم خرداد یاد شد. در هر حال هاشمی با رای اول خبرگان توانست یک پله بالاتر از مقام های پیشین خود بنشیند. برخی ناظران معتقدند بدست آوردن مقامی هم تراز قائم مقامی رهبری نبهایی داشته است که هاشمی با غلبیدن به راست در انتخابات خبر گران، آن را پر داشت. صاحب نظران دیگری از هاشمی به عنوان نامزد مشترک محافظه کاران و کارگزاران در انتخابات آینده رئیس جمهوری یاد می کنند که این تحلیل از جهتی می تواند قابل توجه باشد؛ از آن دیدگاه که محافظه کاران هیچ گاه هاشمی را از خود نرانده اند و هنوز در ارگان جمعیت مؤتلفه از او به عنوان آیت الله هاشمی رفسنجانی یاد می کنند. در حالی که لایه هایی از چپ به عبارت آقای هاشمی رفسنجانی پسند می کنند.

تهران یک سال بدون شهردار

پرماجرترین مقام دولتی در سال ۷۷، غلامحسین کرباسچی، آخرین شهرداری بود که از سوی دولت به این مقام منصوب شد و پس از خود قدرت را به شهردار منتخب شورای شهر سپرد. کرباسچی از پایان تعطیل نوروزی ۷۷ تا آغاز تعطیلات نوروزی ۷۸ در وضعیتی بسپر برد که در افواه عمومی از آن به بلا تکلیفی یاد می شود. در آغاز سال و با آغاز نخستین روز کاری دولت کرباسچی راهی اوین شد و گرچه ۱۱ روز بیشتر در آنجا نماند، اما در همین ۱۱ روز به مهم ترین موضوع روز در دولت، مجلس، احزاب و … تبدیل شد. بیست وپنجم فروردین ماه جمعی از سوی دفتر تحکیم وحدت تدارک دیده شد که در آستانه خشونت از آن صرف نظر کردند. پرونده کرباسچی پس از آزادی او از زندان دوماه در نوبت باقی ماند و در خرداد ماه سریال تلویزیونی محاکمه او آغاز شد که تا دو ماه بینندگان به شدت سیاسی تلویزیون ایران را تا صبح بیدار نگه می داشت.

رفت و برگشت پرونده کرباسچی از زندان تا تلویزیون و از تلویزیون به دادگاه و از دادگاه به دادگاه تجدیدنظر هم تهران را یکسال بدون شهردار نگه داشت و هم به کرباسچی فرصت داد تا از مقام شهردار تهران به مقام دبیرکل حزب کارگزاران تغییر موقعیت یابد.

تمرکز همه حوادث سال بر روی کرباسچی، از او چنان چهره محبوبی

ساخت که در برخی مطبوعات به نام «شهردار مادلن» معروف شد. هر چند

که شایعه مصالحه کارگزاران با محافظه کاران در پایان سال از درجه این

محبوبیت کاست.

این که همان است

استیضاح عبدالله نوری

مهم ترین پیروزی سیاسی

محافظه کاران در سال گذشته بودی

حذف چهره‌ای سرسخت و

صف شکن از کابینه و راندن او به بیرون

از دولت در یک نگاه گذرا می تواند

یک پیروزی قابل ملاحظه به شمار آید.

اما زمانی می توان این اقدام را پیروزی

تلقی کرد که به عواقب آن اندیشید.

عبدالله نوری پس از تصدی شغل

معاون رئیس جمهوری به فاصله چند ساعت پس از استیضاح به راه اندازی

یک روزنامه منتقد و اصلاح طلب برنده گماشت و در پرتو همین ابتکار با ظاه

شدن در چهره یک اصلاح طلب برنده اصلی شوراها شد. به جای او نیز فردی

نشسته است که اگر چه تند ی و تیزی را ندارد، اما از اسامی برنامه هایی

مشابه او را پی می گیرد.

این آرامش فرصتی در اختیار معاون مشترک نوری و لاری می دهد تا

در جایگاهی آزاد از استیضاح به عملی کردن برنامه توسعه سیاسی

ببندیشد. نتیجه آن که اینک کم کم زرمه ای در میان محافظه کاران شنیده

می شود: این که همان است.

این نمی توان از اظهارات متناقض مهاجرانی در مورد روزنامه توس در *کاهش محبوبیت* کار گزاران چشم پوشید. مهم ترین معضل کارگزاران در سال آینده جست وجوی جانشینی برای کرباسچی دبیر کل این حزب خواهد بود. انتخابی که می تواند نسبت این حزب را با هاشمی رفسنجانی نزدیک تر یا دور تر سازد. چه برخی انتخاب محمد هاشمی را باعث وابستگی بیشتر کارگزاران به برادر بزرگتر می دانند و در برابر، گزینش عبدالله نوری را به معنای استقلال بیشتر این حزب معنا می کنند.

پایان افسانه اپوزیسیون واحد

در آخرین روزهای سال ۷۷ برای اپوزیسیون قانونی داخل کشور فرصت طلایی پیش آمد. حضور حداقل ۶ عضو رسمی سه تشکل محوری اپوزیسیون قانونی (نهضت آزادی، جنبش مسلمانان مبارز، جامعه زنان انقلاب اسلامی) در انتخابات شوراها و حضور آنان تا صدر فهرست راه نیافتگان (مقام های بیست و دوم و بیست و سوم) یک پیروزی محسوب می شد.

با وجود این در روی دیگر سکه پدیده توجهی به وقوع پیوست که نباید از نظر پنهان بماند: در انتخاباتی با دایره گزینش محدود و در حالی که اپوزیسیون مجبور شد برای تهیه یک فهرست وارد ائتلاف با نیروهای درون حاکمیت شود، سه فهرست متفاوت تنظیم شد که دارای اختلافاتی روشن بود و این معنایی جز شکستن افسانه اپوزیسیون واحد نداشت.

مجاهدین خلق تنها می مانند

از میان اپوزیسیون خارج از کشور، اینک به نظر می رسد همه به جز مجاهدین خلق مجبور به پذیرش پدیده‌ای بنام خاتمی شده‌اند. حرکت های انتحاری مجاهدین در نزاع با خاتمی که در قالب هایی چون مخالفت با سفرهای اروپایی و آمریکایی او بروز یافت جز آن که به تثبیت نام آنان در فهرست گروه های تروریست در جهان غرب منجر شد، ثمری نداشت.

این در حالی است که حتی گروه های چون حزب دموکرات، فداییان و… از اصلاحات بویژه در برگزاری انتخابات شوراها، اعلام حمایت کرده‌اند.

نهادهای مدنی زیر سایه سیاست

روشنفکران دینی دوباره سیاسی شدند

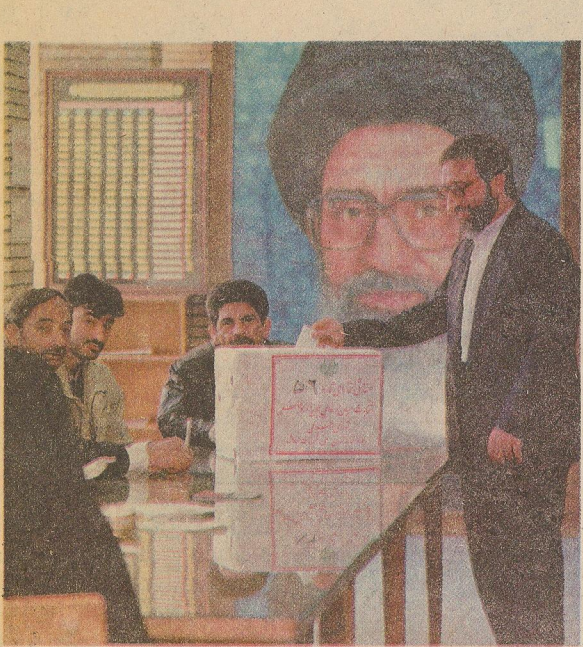
سال ۷۷ سال سیاسی شدن حرکت های روشنفکری دینی بود. انتشار چند روزنامه و نشریه و تلاش فعال تر در راه تأسیس احزاب، نهادهای مدنی رشفکری دینی را به پدیده روز تبدیل کرده است.

دستگیری محسن کدیور در پایان سال بر پژواک صدای این جریان افزوده است. روشنفکران دینی در سال ۱۳۷۷ گذشته از بازتاب های دستگیری کدیور در فرازهای دیگر نیز به قدرت نمایی پرداخت. مراسم سالگرد علی شریعتی، سید دمحود طالقانی، مهدی بازرگان در حسینه ارشاد و حوادث و حواشی بیرامون آن از جمله این مجال های قدرت نمایی است که هر سال تکرار می شود و ترجیع بند آن ها محافظه کاران را در عذاب قرار داده است.

هوا ی تازه در فضای روشنفکری

درحالی که به نظر می رسید با قتل چند تن از چهره های برجسته روشنفکری، فضای جدید پس از دوم خرداد حتی از فضای ماقبل آن برای روشنفکران تنگ تر و تاریک تر شود فرصتی ایجاد شد تا فضا در جهت عکس تغییر مسیر دهد، یعنی هنگامی که وزارت اطلاعات دوماه در محاق فرو رفت همه نگاهها به سوی این جریان متمر کز شد و این نگاه ویژه محاصل میمونی برای آن داشت.

در پایان سال اعلام شد کانون نویسندگان توانسته است برای اولین بار در دهه اخیر پس از وقایع سالهای ۶۰ از دانه و در امنیت کامل جلسه‌ای را برگزار



کند و از آن نتیجه‌ای اجرایی بگیرد. تولد دوباره کانون نویسندگان را از این منظر می توان مدین هوای تازه‌ای در فضای روشنفکری دانست ولوان که مختاری با پوینده قربانی آن باشند و آدینه و جامعه سالم از انتشار بازماند.

بازار سیاست

انتخابات خبرگان: برهیا هو و کم رونق

انتخابات خبرگان سوم که در فضای برهیا هویی شکل گرفت سرانجام در رونستی نه چندان مطلوب پایان پذیرفت. آمار مشارکت کنندگان که از ۱۷ میلیون بالاتر نرفت به هیچ وجه با هیاهوی حکومتی متناسب نبود. بویژه آن که صدا و سیما برای به میدان آوردن مردم از همه ذ خایر استفاده کرد و چون این بار استفاده از ذخایر مذهبی در دستور کار جریان محافظه کار نبود سرود ای ایران از آرشبو صدا و سیما بیرون آمد و از آن پس به سرود نیمه ملی احزاب و گروه ها بدل شد. نتیجه خبرگان گرچه انتظار محافظه کاران را برآورده نساخت، اما آنان را ناامید نیز نکرد. چنان که انتظار اصلاح طلبان را نیز برآورده نساخت.

خبرگان سوم نیز با اکثریت محافظه کار و اقلیت اصلاح طلب شکل گرفت. با این تفاوت که این اقلیت قوی تر و مؤثر تر خواهد بود. خاصه آن که حداقل در ۵ شهر کشور ۵ نماینده ولی فقیه به مجلس راه نیافتند و این راه نیافتن محصول رقابت محدودی بود که در آن شهرها جریان داشت.

انتخابات شوراها: پررونق و کم هیاهو

برعکس انتخابات پنجمین دوره شوراها پررونق تر، اما کم هیاهوتر برگزار شد. صدا و سیما در تبلیغ این دوره اشتیاق کمتری از خود نشان داد. اما تعدد نامزدهای انتخاباتی و گسترده گی دایره انتخابات موجب شد شوراها در افکار عمومی جلوه ای بیش از خبرگان ایجاد کند. هفتم اسفند در حقیقت برای اصلاح طلبان یک کام دیگر به جلو بود: همه فهرست پیشنهادی این جناح در تهران رای آورد و از رقبای محافظه کار جز تعداد محدودی و آن هم در قالب علی البدل به شورای شهر راه نیافتند.

سال ۷۷ گذشت همچنان که سال ۷۶ گذشت، و همچنان که سال ۷۸ نیز خواهد گذشت، اما آنچه این چند سال را از نظر سیاسی بااهمیت می کند تحولاتی است که آنها را مانند گذرگاهی در راه گذر ایران از وضعیت ناقبل دموکراتیک به موقعیت دموکراتیک هدایت می کند.

تاریخچه‌ی ریشه‌ها

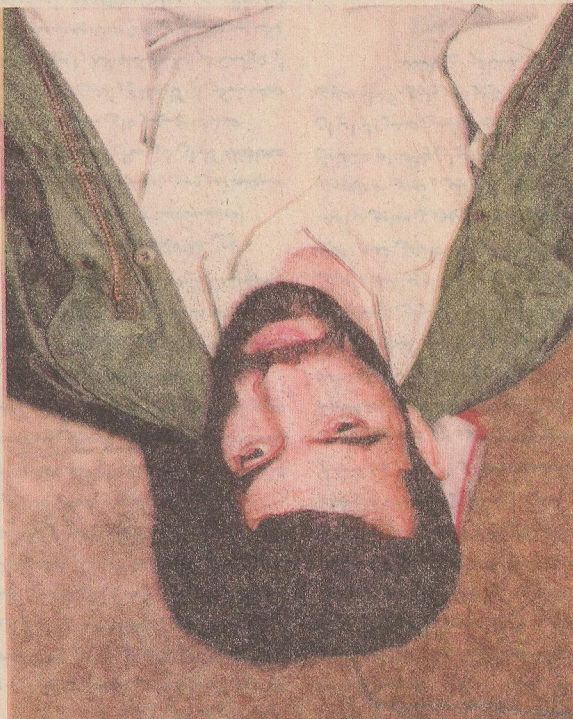
پیش‌زمینه‌ی تاریخی

در این مقاله، به بررسی ریشه‌های تاریخی و فرهنگی ایران می‌پردازیم. این موضوع به دلیل اهمیت آن در شناخت هویت ملی و فرهنگی ما، مورد توجه قرار گرفته است.

ایران، سرزمینی باستانی و پهناور است که در طول تاریخ، شاهد رویدادهای مهمی بوده است. ریشه‌های تاریخی این کشور، به دوران‌های دیرینه بازمی‌گردد. از دوران پیش از تاریخ، تا دوران‌های باستان و میانه، ایران شاهد ظهور و سقوط تمدن‌های مختلف بوده است. این دوران‌ها، هر یک با ویژگی‌های خاص خود، به تاریخ ایران اضافه کرده‌اند.



در این بخش، به بررسی دوره‌های مختلف تاریخ ایران می‌پردازیم. از دوران ساسانی تا دوران اسلامی، ایران شاهد تحولات بزرگی بوده است. این تحولات، در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، به شکل‌گیری هویت ملی و فرهنگی ما منتهی شده است.



در این بخش، به بررسی شخصیت‌های مهم تاریخ ایران می‌پردازیم. این شخصیت‌ها، به دلیل نقش‌های مهمی که در تاریخ ایران ایفا کرده‌اند، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در این بخش، به بررسی تحولات فرهنگی و اجتماعی ایران می‌پردازیم. این تحولات، به دلیل اهمیت آن در شناخت هویت ملی و فرهنگی ما، مورد توجه قرار گرفته است.

در این بخش، به بررسی دوره‌های مختلف تاریخ ایران می‌پردازیم. این دوره‌ها، هر یک با ویژگی‌های خاص خود، به تاریخ ایران اضافه کرده‌اند.



در این بخش، به بررسی دوره‌های مختلف تاریخ ایران می‌پردازیم. این دوره‌ها، هر یک با ویژگی‌های خاص خود، به تاریخ ایران اضافه کرده‌اند.

در این بخش، به بررسی دوره‌های مختلف تاریخ ایران می‌پردازیم. این دوره‌ها، هر یک با ویژگی‌های خاص خود، به تاریخ ایران اضافه کرده‌اند.



در این بخش، به بررسی دوره‌های مختلف تاریخ ایران می‌پردازیم. این دوره‌ها، هر یک با ویژگی‌های خاص خود، به تاریخ ایران اضافه کرده‌اند.

در این بخش، به بررسی دوره‌های مختلف تاریخ ایران می‌پردازیم. این دوره‌ها، هر یک با ویژگی‌های خاص خود، به تاریخ ایران اضافه کرده‌اند.

انتشار روزنامه جامعه را چگونه ارزیابی می‌کنند؟

صالحیار: در سیاست اتفاق مهمی است، اما در ژورنالیسم حرفه‌ای نه. اما سیاست خودش پدیده‌ای

ژورنالیستی است.

صالحیار: من بین سیاست و ژورنالیسم حرفه‌ای الزاماً رابطه‌ای نمی‌بینم؛ ژورنالیسم بر مسائل سیاسی اثر نمی‌گذارد و سیاست‌خواراک ژورنالیستی است و اگر بهترین خوراک، منحصر به فرد شود، هر خورنده‌ای را دلزده می‌کند.

و یا بسیاری را به پای این سفره نمی‌کشاند. به نظر می‌آید مردم از مطبوعات قدرتمندتر عمل می‌کنند، دو دلیل عمده دارد. نخست، دولت توانایی اعمال زور را بر مطبوعات دارد و شرط آن که رسمی نباشد. به همین دلیل اگر برای مطبوعات وظیفه سیاسی قائل باشیم، پس بخشی از مطبوعات به وظیفه سیاسی‌شان عمل می‌کنند.

صالحیار: این وظیفه اگر صرفاً سیاسی باشد بر عهده ارگان‌های احزاب و گروه‌هاست. نه مطبوعات مستقل و عمومی. اگر جوداغ شد البته یک نشریه عمومی و مستقل هم به نسبت میزان داعی، مطالب سیاسی‌اش را زیاد می‌کند. همان کاری که من در اطلاعات کردم. زمانی سردبیر اطلاعات شدم (زمستان ۱۳۵۶) که تازه‌نامه امام منتشر شده بود و من تا ۱۳۵۸، روزنامه را تا حدود زیادی سیاسی کردم.

خواننده شما این را خواسته است؟ **صالحیار:** دلیل آن فقط اشتیاق خواننده نبود. وقتی تیت‌زدم، شاه رفت، ممکن بود دلم خواسته باشد که این اتفاق بیفتند و با خواسته باشد. اما واقعا دلم می‌خواست – خیلی‌ها بعد از آن گفتند: صالحیار، مار کمیسیت بود و بعد از ۲۲ سال چهره خودش را نشان داد و نیشش را زد.

مارکمیسیتی نیست. مهم این است که

صالحیار: اگر دوم خرداد را به‌گونه‌ای نقطه‌ای عطف در روند تکامل تاریخی ایران بدانیم، معیار ایستایی و پویایی مطبوعات، درجه علاقه‌مندی و وفاداری آنها نسبت به پیام دوم خرداد است

حالا مار کمیسیت بودید یا نه؟ **صالحیار:** بله من از ۱۵ سالگی مارکمیسیت بودم.

تا کی؟ **صالحیار:** تا ۲۳ سالگی، یعنی هشت سال. شیشه‌اید که می‌گویند اگر

کسی در این دوره از سن خود چپ فکر نکند، مشکل دارد و اگر بعد از ۲۵ سالگی باز هم چپ بماند، باز هم مشکلی دارد. اینکه می‌گویند هر ایرانی حداقل نیم ساعت توده‌ای بوده، درست است.

صالحیار: از همه ایرانی‌ها خیر ندارم. ولی در اینکه حزب توده اثر گذارترین و فراگیرترین حزب در تاریخ ایران است، تردیدی ندارم. مارکمیسیت نبود، اما به روند تکامل خرداد و کارکرد مطبوعات در این زمینه، آیا مطبوعات انتظارات جامعه را برآورده

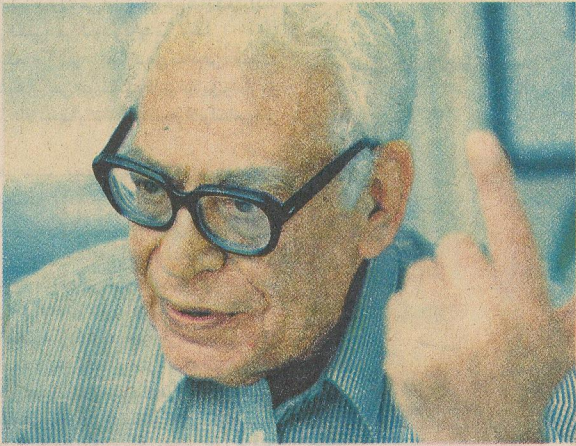
می‌کنند؟ **صالحیار:** تا حدی... اما باز آن مقایسه پیش می‌آید. بین بخش‌های درگیر در جامعه و حتی انعکاس آن در مطبوعات، من علاوه بر کنترل حاکم بر مطبوعات، عامل دیگری را به شدت در این موضوع دخیل می‌دانم و آن مراجع نفوذ و قدرت غیرقانونی است که دخالت می‌کنند و اثری بازدارنده هم دارند.

دولتی نیستند یا قانونی نیستند؟ **صالحیار:** در هر حال اظهارنظر و مداخله‌شان درباره مطبوعات قانونی نیست. ولی نوعی دیلستگی به حاکمیت دارند ولو اینکه صرفاً نمایندگان سرمایه باشند و هیچ شغلی در دولت و در حاکمیت نداشته باشند ولی چون منافع هنگفتی دارند، هنوز هم اثر گذارند.

این که صرفاً دلیل دخالت را منافع می‌دانید، بر این اساس است که هنوز هم

مارکمیسیت هستید؟

صالحیار: این تنها یک نظریه



جامعه‌ایدئولوژیک دارند؟

صالحیار: هر جامعه‌ای نیروهای اجتماعی ایستا و پویا دارد. سؤال شما به‌نوعی تعیین‌کننده مطبوعات ایستا و پویاست و من متقدم‌با نحوه واگذاری و اعطای امتیاز که کاملاً در انحصار دولت است، این نوع تقسیم‌بندی، عملی نیست. به نظر من هر آدمی که امتیاز می‌گیرد، باید تاهید دولت را دارد.

یعنی هر کس امتیاز نشریه‌ای را دارد از نیروهای ایستای جامعه است؟ **صالحیار:** نه لزوماً ایستا نیست ولی به نظر دولت، خطری را متوجه حاکمیت نمی‌کند.

مگر مطبوعات به وجود آمده‌اند که برای حاکمیت خطر ایجاد کنند؟ **صالحیار:** متأسفانه چنین برداشتی در ایران وجود دارد.

چرا متأسفانه، شما خودتان بر این موضوع تأکید دارید؟ **صالحیار:** برداشت جهانی از مطبوعات مغایر با برداشت ایرانی از مطبوعات است. مطبوعات در جهان برآورنده یک سلسله از نیازهای اجتماعی هستند و به اندازه در مان و بهداشت ضروری‌اند. مطبوعات در جهان وسیله انتقال شفاف افکار عمومی هستند. و با قیود کنونی حاکم بر مطبوعات، این کارکرد اصلی از بین

گفت‌وگو با غلامحسین صالحیار

تیت‌زدم: شاه‌رفت

غلامحسین صالحیار از قدیمی‌های مطبوعات ایران است. نام او در دوران سردبیری اش در اطلاعات ماندگار شد، اگر چه امروز چندان در صحنه تیش مطبوعات حضور نمی‌یابد.

شاید هفت یا هشت ماه پیش مصاحبه‌ای طولانی با او انجام شد، اما فرصت نشد و رخصت نبود که به چاپ برسد. آنچه می‌خوانید شروع مصاحبه‌ای است؛ و تمام مصاحبه که شاید چهار یا پنج صفحه روزنامه باشد بعدها در نشاط به چاپ خواهد رسید.

می‌رود. اگر من با وجود نداشتن هیچ کدام از منابع درباره دریافت امتیاز این سابقه ۴۲ ساله کار مطبوعاتی امتیاز بخواهم. بعد از چند ماه دوندگی، موفق به گرفتن امتیاز یک نشریه نمی‌شوم. به همین دلیل نشریات ایران دولتی هستند و در اختیار حاکمیت؟ **صالحیار:** بیش از ۹۵ درصد کسانی که امتیاز می‌گیرند، تا قبل از آن هیچ‌گونه سابقه و ارتباطی با حرفه روزنامه‌نگاری ندارند. عمل آقای نوری وزیر سابق کشور که به قول شما از نیروهای پویا جامعه هستند.

من چنین چیزی نگفتم. **صالحیار:** به هر حال بلافاصله پس از کنار گذاشته شدن از وزارت کشور، رئیس‌جمهور او را به سمت معاونت برمی‌گزیند و وزارت ارشاد هم امتیاز یک روزنامه و یک هفته‌نامه را به ایشان می‌دهد. من به آقای نوری احترام می‌گذارم اما فکر نمی‌کنید علاوه بر صلاحیت اجتماعی برای روزنامه‌نگاری تخصص هم لازم است؟ اصلاً صلاحیت حرفه‌ای در دادن امتیاز در نظر گرفته نمی‌شود و در واقع گویی امتیاز به کسانی می‌دهند که دست کم اگر نفعی برای حاکمیت ندارند، ضرر هم نداشته باشند.

یعنی مجموعه نشریات کشور با انتخاب ایدئولوژیک امتیاز گرفته‌اند؟ **صالحیار:** بله دقیقاً چون حکومت، حکومت ایدئولوژیک است. اگر اعتقاد به ایدئولوژی اسلامی می‌نداشته باشی از گرفتن امتیاز محروم هستی.

این منطقی نیست؟ **صالحیار:** نه اصلاً منطقی نیست. در همه جای دنیا این‌طور نیست؛ **صالحیار:** به مثال من بزنم، در آمریکا گرچه از سیستم آمریکایی اصلاً نوش نمی‌آید برای امتیاز به شهرداری شهر اقامتگاه خود مراجعه می‌کنید، دفترش هست که تقاضای امتیاز در آن ثبت می‌شود، نام نشریه‌ای که می‌خواهید منتشر کنید در آن ثبت می‌کنید، بدون اینکه کسی دخالت کند فقط شما آن است که از نشریه‌ای که قبلاً کسی از آن استفاده کرده، استفاده نکند و دیگران هم همین‌طور. فقط همین و بعد مردم تعیین می‌کنند که آیا این نشریه موفق هست یا نه، اگر مردم

بایگانی‌را دک‌داده ثبت احوال شدم. این وضع کم و بیش در بسیاری از تحریریه‌های ما موجود است. تحریریه باید روح داشته باشد. من گاهی برای ایجاد فضای فعال، خبری را که چندان اهمیتی نداشت در تحریریه به صدای

جلب مخاطب را دارم، فقدان آزادی، باعث سقوط کیفیت و رکود مطبوعی می‌شود؟ **صالحیار:** بله این سکوت و سکون تحریریه‌ها ناشی از نبودن آزادی است. ضرورت رقابت صحن نمی‌شود و طبیعتاً، کسی نگران خوردن خبری نیست.

مطبوعات ایران در سالی که گذشت

روزنامه نگاران قدیمی‌تر با تأسف خبر استعفا ی بورقانی را استقبال کردند و گفتند که آثار، اصلاحات مطبوعاتی بورقانی در سال‌های بعد محسوس خواهد بود. انتشار هفته‌نامه مشارکت، ارگان جامعه‌مشارکت ایران اسلامی در ۱۲ بهمن، از اخبار مهم نیمه اول بهمن بود. مدیر مسئول این نشریه محمدرضا خاتمی است.

لغو امتیاز آدینه **د**ر یک خبر مطبوعاتی در این ایام، لغو امتیاز آدینه، به حکم دادگاه مطبوعات بود. دلیل لغو امتیاز، اصرار در چاپ مطالب و مضامین خلاف عفت عمومی عنوان شد. صبح امروز در این رابطه اظهارات یک روزنامه‌نگار را به چاپ رساند که بدون ذکر نام یادآوری می‌کرد که این دومین بار است (پس از لغو امتیاز جامعه) که رئیس دادگاه مطبوعات بدون توجه به رای هیات منصفه که خواستار تخفیف در مجازات یک نشریه شده است، بیشترین مجازات ممکن یعنی لغو امتیاز را برای آن صادر کند.

جوان می‌خواهد چه کند؟

۲۴ بهمن روز تولد روزنامه جوان بود. این روزنامه که به مدیر مسئولی محمدمهدی مظاهری به چاپ می‌رسد هدف خود را قرار دادن جوانان در جریان اخبار و رویدادهای روز اعلام کرد. این روزنامه نوشت: «جوان سعی دارد تا در جایگاه یک رسانه عمومی، با ایجاد فرهنگ مناسب و مطلوب در تمام زمینه‌ها، فضای سالم و سازنده‌ای را

عرضه کند.

دادگاه‌کیهان و حذف هیأت منصفه اعلام تشکیل دادگاه مطبوعاتی کیهان در انتها ی بهمن، تعجب بسیاری را برانگیخت. این دادگاه به واسطه ۱۰ شاکی حقیقی و حقوقی موضوعیت یافته بود. گذشته از شکایات ۱۰ گانه فوق، احمد منتظری به علت درج توهین‌هایی نسبت به آیت الله منتظری، از هیات نظارت بر مطبوعات خواستار برخورد با این

نیودن آزادی مادر مشکلات است. نشریات ایدئولوژیک را چگونه می‌بیند؟

صالحیار: من دو نوع ژورنالیسم می‌شناسم، یکی ژورنالیسم حرفه‌ای و یکی ژورنالیسم تخصصی، ژورنالیسم حرفه‌ای، یعنی انتشار یک نشریه عام در قالب روزنامه، هفته‌نامه و یا ماهنامه یا مخاطب عام. این نشریه کاملاً به تیراژ آگهی تکیه دارد و روی پای خودش می‌ایستد، این ژورنالیسم حرفه‌ای است.

تیرغنی از یک روزنامه وجود دارد که باید خبر بدهد، ناشر نشریه‌ای، روزنامه‌ای یا مشخصه ایدئولوژیک می‌گوید، خبر را به گونه‌ای می‌دهم که از ارزشی سیاسی و یا اعتدای قاج کم.

صالحیار: من هیچ نوع خبری را جز واقعیت قبول ندارم. خبر یعنی نقل بدون تحریف واقعۀ‌ای که می‌تواند مورد توجه عموم قرار بگیرد. حتی یک آگهی تر حیم با مشخصه ایدئولوژیک داشته باشد. کما اینکه در بعضی از روزنامه‌ها مضحات ترجمیم و تسلیت، پرخواننده تریب منصفحات‌شان است. اصلاً نگذارم که بگویم نوع خاصی خبر دادن را قبول ندارم و دستکاری کردن آن را کاری غیر حرفه‌ای می‌دانم.

نظرتان راجع به خبر نرم چیست؟ **صالحیار:** در نقل خبر نوش‌شان دادن اگر نظریه جناحی مشخصی را

صالحیار: نکته‌ای هست که ما قبل از انقلاب به اندازه انگشت‌های دو دست هم ژورنالیست حرفه‌ای به معنای واقعی ندانستیم و از همین تعداد معدود هم فقط ۲۰ درصدشان در ایران ماندند و اینکه آدمی به عنوان یک حرفه‌ای مطرح می‌شد به خاطر این بود که امکان طرح آدم‌ها در هر سطحی وجود داشت.

آقای صالحیار شما آدم‌های زیادی را دیده‌اید، ده آدم مساند کار حرفه روزنامه‌نگاری را نام ببرید.

صالحیار: بدون تردید اولین نفر توریخ فراز مند است شاید به این خاطر که اولین آدمی است که نشریه داد من به درد این کار می‌خورم یا نه، دکتر مهدی سمسار، مجید دواسی، امیر طاهری، جهانگیر بهروز، علیرضا نوری‌زاده، سیروس علی‌نژاد، منصور تاج‌چی، میرانکار و ...

مسعود بهنود؟

صالحیار: خوب تیت‌زدم تا شد؟

یا مسعود بهنوده نفر، بازیکی کم دارم.

صالحیار: خوب اگر کم دارید اسم مرا هم بنویسید! **صالحیار:** خوب نداشته باشید. نفرت چندم؟ **صالحیار:** آخرین نفر دیگر! پراشتی به بنویسید، نشریه نفسی می‌کنند. خودش را نفر اول بی‌داند! البته Off the record نداریم.

صالحیار: خوب نداشته باشید. من فحش خورم خوب است؟! نکته‌اش را این یادآوری کنم. بدون نام بعضی‌ها، آدم‌ها متوجه است. بهشت و دوزخ بی‌گرم‌ن‌ها!

روزنامه طبق ماده ۲۶ قانون مطبوعات شده بود. خبر فوت اولین مدیر مسئول رسالت، احمد آذری قمی، نیز از اخبار بود که اغلب نشریات آن را بدون هیچ توضیحی منعکس کردند.

روزنامه انتخابات روزنامه انتخاب که خبر انتشار خود را به یاری آگهی‌های تلویزیونی، به نمایش گذاشته بود، با انتشار بیش‌شماره در اواخر بهمن، فریب الوقوع بودن حضور خود در جامعه مطبوعاتی را به اطلاع مردم رساند. این روزنامه به عنوان یک نشریه مستقل و حرفه‌ای با مدیریت طه‌هاشمی، نماینده متعادل به‌خارج اکثریت مجلس در آینده‌ای نزدیک شروع به کار خواهد کرد.

نشاط وجهه در ادامه نوس و شلجمه گردانندگان مؤسسه جامعه روز، باز دیگر در سال آینده با انتشار روزنامه نشاط، به جر که خانواده مطبوعات پیوستند و به نوشته نشاط در اولین شماره، ادامه جریان زندگی را با صولات بر گذشته شروع کردند.

روز دهم اسفند اولین شماره هفته‌نامه جبهه به مدیر مسئولی احمد کاظم‌زاده و سردبیری مسعود ده‌نمکی انتشار شد. به نوشته اولین شماره جبهه، «این نشریه فعلاً به صورت هفته‌نامه در می‌آید تا تکلیف شلمچه روشن شود. پس از آن، در صورت رفع توقیف، جبهه به روزنامه تبدیل شده و شلمچه هفتگی درخواهد آمد». به دنبال تعلیل شلمچه از سوی هیات نظارت بر مطبوعات، این نشریه به دیوان عدالت اداری شکایت کرد که این شکایت در دست بررسی است.

واکنش برانگیزترین خبر مطبوعاتی در نیمه اول اسفند، تشکیل دومین جلسه محاکمه مدیر مسئول کیهان بود. واکنش به این دادگاه، بدین جهت صورت گرفت که درپی به جنصاب تریسبدن تعداد اعضای هیات منصفه دادگاه برای دومین بار، قاضی حکم اخراج پنج عضو این هیات را صادر کرده بود. به نوشته روزنامه‌ها، غیبت اعضای ذکر شده در ادامه اعتراضی آنان به ابلاغ رفتار اداره حقوقی قوه قضاییه، به هیات منصفه مطبوعات صورت گرفت که طی آن، شرکت اعضای علی‌البذل هیات منصفه در رای گیری‌ها به حضور نیافتن اعضای اصلی مشروط شده بود. علی‌خوشرو (یکی از اعضای اخراجی) در نامه‌ای که در صبح امروز انعکاش یافت، یادآوری کرد که نظر «اداره حقوقی قوه قضائیه، حدود پنج ماه پیش صادر شده است اما قاضی دادگاه مطبوعات آن را تا زمان دادگاه کیهان مسکوت گذاشت. ضمناً علی‌خوشرو گله داشت که قاضی مرتضوی در برخی موارد که هیات منصفه متهم را مستحق تخفیف دانست و به ماده ۱۹ قانون مطبوعات که مربوط به «مجازات تکمیلی» است، متوسل شده». در همین ایام، مدیر مسئول پیام‌هاجر به علت چاپ مصاحبه‌ای با آیت الله منتظری در شماره آخر خود که به چاپ هم رسید، به دادگاه مطبوعات احضار شد.

مطبوعات ۱۸ اسفند، اطلاعیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اعتراض به روند حاکم بر دادگاه مطبوعات را چاپ کردند. در این اطلاعیه با تأکید بر ضرورت اجرای کامل قانون مطبوعات، وجود یک هیات منصفه مستقل به عنوان نماینده اوجدان عمومی، و افکار عمومی جامعه را لازم فعالیت قانونی ارگان‌های مطبوعات دانست و با توجه به حساسیت امیر مطبوعات و رعایت شئون اهل قلم و شان قضا، پیشنهاد کرد که در رأس دادگاه مطبوعات، یک قاضی با تجربه، به‌خوردار از دانش بالای حقوقی و قضایی و آگاه به ظرافت‌های فرهنگی و اجتماعی قرار داشته باشد.

سالی که گذشت از نگاه روزنامه نگاران

۱۳۷۸

بهار مانا و پایا و همیشگی

گام های زمستان سست شده بود و ما چشم ها را به راهی که همیشه وعده داده بودند از آن بهاری آید، دوخته بودیم. آن بهار را می گویم که گشته بودند ماناست و پایا و همیشگی. گام های زمستان همچنان سست است، حالا هم چشم ها را به همان راه دوخته ایم که وعده داده بودند. از آن بهار را می گویم که گشته بودند ماناست و همیشگی. نمی دانم به نیمه راه رسیده است یا نه؟ نمی دانم که او هم باور کرده که گامهای زمستان سست شده یا نه؟ حتی نمی دانم، شاید همین جاست و منتظر احوال ماست که تغییر کند و او انگشت های سبزش را با ضرب آهنگ نام آزادی بر در سرای مان ایران بکوبد. نمی دانم شاید پشت در منتظر است.

سیما سعیدی

۷۷... نشاط... ۷۸

جامعه، میدان جوانان، عکس دسته جمعی، عید، ۷۷۰، بهار، باران، قمری، زندگی، بنویس، سیاه بزن، باور کن، بارور شو، مسمی تر...، آهنگد، کوردان، سیاه پوشان، تهدید، دادگاه، تنش، طیش، دلهره، عاقبت، مرداد... انتشار ممنوع، جامعه، ندرایم، بیان، توس، لیخند، زندگی، تکاپو، شهرپور... انتشار ممنوع، دادستانی، جدایی، زندان، تحقیر، توحین، خاموش، کور، کور، مرگ، توس، ندرایم، کجا رفتند، برمی گردند، خزان، چه شد؟، چه می شود؟، چه باید کرد؟، تترس، ترز، جان بگیر، بشنو، ببین، حرف بزن، خرداد... صبح امروز... امید، باور، نشاط، نوروز... بنفشه سام کس

رویای دیرینه دموکراسی

سال ۷۷ به چپانی برحادثه ترین سال دهه های اخیر است. بهار با دستگیری کرباسچی آغاز شد و زمستان به بازداشت کدیور انجامید. قتل های فجیع پاییز هم از یاد ها نمی رود. باری نتایج پرباری از این حوادث برجاست، هشت جلسه محاکمه شهردار، نقد جامع قانون دادگاه های عام بود و خون های به ناحق ریخته شده گریبان افراد خودسر و آمران مرگ را خواهد فشرد.

حضور مردم در انتخابات شوراها نیز رویای دیرینه ای را در جهت برقراری دموکراسی به همراه داشت. اما یک نکته، شمار قانونگذاری خاسمی به هنگام نبود، چرا که ابزار قانونگذاری، قوانین خوب است و قانون را کسانی می نویسند که به قانونگذاری منتخب مردم اعتقاد ندارند!

فرج پال افغن

وی افزود...

حس می کنم، خیلی خسته شدم و دلم می خواهد برای عید به مسافرت بروم و همه چیز را فراموش کنم. وی با بیان این مطلب افزود:، واقعاً می خواهم به مسافرت بروم برای عید، چون حس می کنم خیلی خسته شده ام. وی در ادامه به حس خستگی و فراموشی همه چیز اشاره کرد و اظهار داشت:، بوی خواهم به همین دلیل در عید به مسافرت بروم، وی در پایان و در حالی که می خواست همه چیز را فراموش کند و برای عید به مسافرت برود گفت:، خیلی خسته ام، گفتنی است وی در شام گذشته به شدت روزنامه نگاری کرده است! شهرام شریف

به شما تفهیم اتهام نشده؟
بخونیم
من به خاطر خودت می گم، اصلاً به دردسرش نمی ارزه، تو فکر می کنی ما نمی نویسم حرف هایی که تو می زنی بنیم.
آقا! دستت درد نگته، فوق العاده است.
این اشغالها چیه می نویسی؟
نه کارت داریم، نه اسم، به هفته وقت داری که دیگه از این مزخرفات ننویسی.
شما پشت تون گر مه، هر چی دلون می خواد می نویسد.
چه کار رو گرفتن، دفتر روزنامه نیا، حکم بازداشت تو رو هم صادر کردن.
نمی شه نری؟!
بلند حرف زن.
جلا بی پور رو بردن، شما هم احتمالاً تا دو ماه دیگه آزاد می شید.
من موافقم، باید بیشتر احتیاط کنی، به نظر من اصلاً نمی ارزه.
تو رو خدا موافق بخت باشی، رسیدی رنگ می زنی؟
دیروز ظهر رفته بود لامپ بخره دیگه بر نگشته، خبرش رو تو روزنامه بزن.
نبوی نویی! کثافت! نمی کشمت.
ما راجع به شما خیلی چیزا شنیدیم.
... با وجود این من صداقتت رو قبول دارم.
آقای نبوی شما هستین؟
مطالب خیلی ضعیف شده، می ترسی؟
عجب خری هستی! این چیزا چیه می نویسی؟

سیناابراهیم نبوی

راه آغاز برای پایان انکار

هفتاد و هفت چون هر سال دیگری گذشت، اما آنچه شاید باعث تمایز این سال از سال های دیگر شود، ماهیت وقایع و خدادهای آن است.

هفتادوهفت از پی سال هایی آندورفت که استعمار و تیلور راه و روشی نو در زندگی ما بود. گفت وگو، مفاهیم، تحمل پذیری و... مهمترین مشخصه های این راه نو است. روشی که شاید کمتر تاکنون مرسوم بوده است. اگر در گذشته حتی در کوچکترین کارها، نفی، حذف اندیشی، انعطاف ناپذیری، ارزشی بود تا بتواند، شخص، جریانی را اثبات کند. امروز در جهانی به بزرگی پیش از ۵ هزار میلیون نفری راهگشا نیست.

جوهره بنیانیست گفت وگو، انسانیت است نه وزن و نقل شخصیت، و این راه آغازی برای پایان انکار است! کورش رحیم خانی

کاریکلماتور سیاست در ایران

سال ۱۳۷۷ هجری خورشیدی احتمالاً یکی از ماندگارترین سال های تاریخ ایران خواهد شد. ما از آینده بی اطلاع هستیم و حتی اگر به سخن پیشگویان نیز باور داشته باشیم، چنان موج نیرومندی از تجدید به آستانه تمدن ما فشار آورده است که شهامت ابراز عقاید خود را در چارچوب گفتمان سنت که در آن جادو و پیشگویی نقش دارد، نخواهیم داشت. به حسب اتفاق سال ۱۳۷۷ هجری خورشیدی از همین منظر واجد اهمیت است.

در هیچ مقطع از تاریخ معاصر ایران هرگز به یاد نداریم که محوری ترین نهاد امنیتی این سرزمین از خود انتقاد کند و تلویحاً یا تصریحاً، از تصور خود در نزد مردم عذر بخواهد. همچنین در هیچ مقطعی از تاریخ معاصر ایران به یاد نداریم که چنین رخدادی به وقوع بپیوندد. اما چارچوبه های نظم سیاسی موجود به قوت خود پابرجا باقی بماند و به استمرار خویش ادامه دهد.

ماندگاری وضع موجود شاید از آن جهت بود که جادو و پیشگویی در تقابل با جریان تجدید ایران، موقتاً و ناگزیر مستهلک شد. سخن برسر این است که رخداد قتل داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری، نیز قتل عده ای از روشنفکران ایران که به دست گروهی از اعضای وزارت اطلاعات به وقوع پیوست، یک نشانه است. نشانه ای از ورود بی مهار تجدید و عکس العمل بی رحمانه سنت. سرنوشت تاریخ ایران را سرنوشت این منازعه تعیین خواهد کرد.

علیرضا رجایی

بهار و هوای دودآلود تهران

بهار آمد...
چطور می شود سالی را در چند سطر خلاصه کرد. آن هم سالی مانند ۷۷ را که همون ۵۷ بود، این ۳۶۵ روز گذشته هر روزش کوپی کلکیسویی بود از آن ماه ها و سال ها و فراموشی کرده بودیم و تکرار تاریخ بود. گاه تراژدی و گاه کمیک، دولت خاتمی یکسال دیگر را هم از سر گذراند و آرزوی آنانی که آن را مستعجل می خواستند برآورده نشد و حالا مجبورند یکسال دیگر همه چیز را از نو شروع کنند. بازداشت، استیضاح، قتل و... در این آخرین روزهای ۷۷ صق هم آمد تا پازل تاریخ سال ۷۷ تکمیل شود، و در آستانه ۲۹ اسفند از خیانت او گفتند، اما چه بخواهیم و چه نخواهیم بهار خواهد آمد، گرچه هوای دودآلود تهران نفس صبا را هم بند می آورد.
راستی چرا بوی بهار را نمی بشویم، بهار آمد، گل و سبزه قیام و بهیسی بوی فروردین نیاورد.

محمد رهبر

بی توجهی به علم

سال ۷۷ برای ما که سال های سال مصرف کننده محصولات فکری جهانیان بودیم، فله ای بود در تولید و مصرف فکر داخلی. دیگران را نمی دانم. اما من امسال آنقدر شاگرد آدم های نازنینی - به خصوص یک نفر سید - بودم که تا می دانم هیچ سال دیگری را به این پرباری تجربه نکرده ام. البته ناگفته نگذارم که در همین سال پر بار، تجربه های تلخی هم داشتم که یکی هم این بود که متأسفانه امکانات مالی یک نفر، هر ماکیاوالتی تباری را با ذوق زدگی به طرف او می کشاند و همانان هستند که قادر می شوند یک مجموعه را به زیر صفر هم تنزل بدهند.

سال ۷۷ سال خون دل خوردن اهل علم هم بود که از هر جا بول کم آمد از بودجه تحقیقات آنان زدند. این اتفاق کوچکی نبود و باید منتظر باشیم که ۱۰ سال دیگر ضربه ای بی توجهی به علم را بخوریم. اما همچنان ایران را دوست دارم. سال نو بر شما مبارک باد.

همایون خیری

پس از دوم خرداد

یکی از مهم ترین دستاوردهای که در زمینه اندیشه سیاسی در سال ۷۷ نصیب ملت ایران شد، تثبیت اندیشه اصلاح و تزلزل در دکترین انقلاب بود. بعد از انقلاب ۱۳۵۷ تأمل و تعمق در ویژگی های نظری و پیامدهای عملی انقلاب به صورتی فروخورده و کند آغاز شد، چون در آن زمان مفهوم انقلاب شانی فرای تجزیه و تحلیل های خودگرایانه یافته بود و اگر کسی پیدا می شد تا پا بر ساحت مقدس آن بر گذارد و ماهیت آن را به چالش بکشد بلافاصله گفاری از انگ های ساخت کارخانه تازه تأسیس انقلاب سینه او را آماج می کرد.

ساحت انقلاب سال ها دست نخورده ماند و هر روز بر قداست آن افزوده شد. تا این که بچه های پابرهنه انقلاب رشد کردند و در بازار بی ربیبی که چند سال بعد از انقلاب برای خود تزیب داده بودند (با حذف بچه های دیگر انقلاب) به سروسامان رسیدند. در این مدت آنان به شخصیتی جادویی تبدیل شده بودند. هر جا می رفتند در ها به روی آنان باز می شد و در برابر هر کسی روتزش می کردند. فی الفور کنار گذاشته می شد، آنان مالک بی رقیب دنیای اندیشه و سینما و سیاست شده بودند. اما آنان نمی دانستند این شخصیت جادویی در گرو رعایت بی چون قرمزهایی است که انقلاب تعیین می کند. با درک این موضوع حس حقارتی عمیق سر تا پای آنان را گرفت و از آن پس تلاش برای شیدن آهنگی که سال ها اصرار در نشنیدن آن داشتند، آغاز شد.

اواخر دهه ۶۰ آغاز نوینی در درک انتقادی مفهوم انقلاب بود که نتیجه ثمربخش آن در ۲ خرداد ۷۶ شکوفه کرد و اکنون که این میوه شکل کال خود را یافته است و رگه هایی از رسیدگی در پوست آن خودنمایی می کند، دست هایی با سنگ اندازی دری فرو افکندن آتند. دست هایی که صاحبان آن اشتباهی برای درک صحیح مفاهیم اصلاح و انقلاب از خود نشان نمی دهند.

منوچهر بشیری راه

دشنه و اندیشه

هنگامی که شاهد بهار آهسته و باورچین از پشت پرچین معدود کوچه باغ های برجامانده از جغای زندگی آبارتعمانی، با همه زیبایی ها فرا می رسد، دلت نمی آید از ناملایمات بگوینی و با مرور تلخکامی ها شهد شیرین بهار را به شوکران میل سازی. اما گاهی نوشیدن شوکران، فردایی بهتر و کشودن پنجره ها به سوی روشنایی را نوید می دهد.

پس می گویم:

۷۷، سال دشنه بود و اندیشه. فوران تفکر و نوخواهی و غلیبان تحجر و وابستگی، دشنه به دستان، سرمستانه غوغا کردند. غافل از اینکه دشنه را هرگز یاری دیخ اندیشه نیست. چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند.

(اگر جزو شمارگان واژگان فرار نمی گیرد!) ارادت غنی است شاد باشید.

کسری نوری

سال پلنگ و اوضاع ولنگ

طالع بینان چینی یا شاید هم هندی سالی که گذشت را سال پلنگ رصد کردند. عوام می گویند سرنوشت سال ها بر اساس طبیعت حیواناتی شکل می گیرد که نام آن ها روی آن سال گذاشته می شود. مثلاً اگر سالی سال گاو است سال پربرکتی از کار در می آید. چون گاو حیوان پربرکتی است که از آن ماست و پنیر و شیر و خامه و... می گیرند و گوشت آن طعام می شود. در آن سال نزولات الهی به میزان فراوان خواهد بارید و محصولات پربار خواهد شد و بازار رونق خواهد یافت و چرخ صنعت بر پاشنه رونق خواهد چرخید و سال های دیگر نیز به همین منوال.

وقتی بر روی تقویم کشور، پیش از آغاز سال گذشته نوشتند که امسال سال پلنگ است در همه، طبیعت پلنگی این ذهنیت را ایجاد کرد که سال پرخورد و خوشنوی را پیش رو خواهیم داشت. به ویژه آنکه تلویزیون تحت کنترل محافظه کاران نیز هنگام تحویل سال نو پلنگ نیزدندانی را نمایش می داد که مدام به این سو و آنسو می رفت. تا اینکه بازداشت ناگهانی غلامحسین کرباسچی شهردار ۸ ساله تهران زمانی که هنوز شیرینی های عید از مذاق شهروندان نرفته بود، نشان داد که طالع بینی ها و خرافه باقی جا چندان هم پایوه نیست.

سالی که گذشت پرخشونت ترین سال دهه ۷۰ بود. بازداشت شهردار، بازداشت روزنامه نگاران و حبس آنان، قتل نویسندگان و چهره های سیاسی از ویژگی های امسال بود. در این سال فرماندهان نظامی از زیان بریدن و گردن زدن روزنامه نگاران گفتند. در این سال گرچه محمد خاتمی از سوق دادن کشور به سوی قانونمندی بیشتر سخن گفت ونگاری سیاسی بیشتر می شد. و مخالفان او در مخالفت با وی سریع تر و بی پروا تر می شدند اما آدیره تحس خشونت در سال آینده چه سرنوشتی خواهد یافت؟

خشونت های سال ۷۷ گرچه در صدر آمار فراوانی دهه ۷۰ قرار می گیرد. اما دستاوردهای مثبتی هم برای جنبش مدنی ایران بر جای گذاشت. این خشونت ها درس بزرگی برای مخالفان جامعه مدنی و قانون گرایی بود که ادامه دادن خشونت طلبی تنها به سود جنبش مدنی تمام خواهد شد. توقیف غیرقانونی روزنامه توس نه تنها یک چهارم جامعه را نابود نکرد بلکه به تولد سه نشریه مستقل انجامید. بازداشت شهردار و محاکمه وی نه تنها اصلاح طلبان را از مسیر خود منحرف نکرد بلکه توجه آنان را به گسترش فعالیتهای سیاسی خود بیشتر کرد و در نهایت تشکیل دو حزب فراگیر همچون کارگزاران سازندگی و جبهه مشارکت ایران اسلامی انجامید و ساختار دستگاه قضائی و قوانین جزایی و کیفری را آشکار کرد.

لجاجت های یک محافظه کار در انتخابات شوراها نه تنها طرح ملی اجرای قانون شوراها را متوقف نکرد، بلکه با پیروزی اصلاح طلبان اجرای این طرح تکمیل شد و به محافظه کاران آموخت که سال ۷۸ یعنی بازشدن درجیه جهان به سوی قرن بیست و یکم. قرنی که دیگر تکنولوژی مدرن مجالی برای لجاج بازی و واقعیات امروز و خواسته های بیست میلیون نوجوانی که تنها زیان رایانه ها را می فهمند نخواهد بود.

محمدرضا سرداری

سالی که فراموش نخواهد شد

انگار همین دیروز بود که در تهیه و تدارک فرا رسیدن سال ۷۷ بودیم خانه تکانی، خرید عید، سفره هفت سین و بالاخره دید و بازدید عید، اما باور کردن سخت است که در روزهای آخر سال ۷۷ پسر می بریم زمستان را سپری کردیم و در انتظار بهار روزشمار می کنیم. یکسال را گذراندم بدون آن که بفهمیم چگونه گذراندم. مروری بر سالی که گذشت چندان هم خوشایند نیست، شهردار زندانی شد، دادگاه تلویزیونی، قهرمانی تیم ملی و شادی خیابان، تولد نشریات رنگارنگ، توقیف یکی و تولد دیگری، قتل فروهرها، بوبنده، مختاری، انتخابات شوراها و سفر خاتمی همه و همه یادآور یک سال زندگی و یک سال گذر عمر و یک تاریخ جدید است که هیچ گاه از ذهن ها فراموش نخواهد شد.

سها روحانی

قانون را تحمل نمی کنیم!

در سال ۷۷ باز هم قانون، مظلوم ترین پدیده بود. کرباسچی شهردار تهران یا مستندهای شبیه برانگیز زندانی شد. نشریات مستقل تهدید، جریمه یا تعطیل شدند. عبدالله نوری وزیر کشور دولت خاتمی با دلایل غیرقابل قبول استیضاح شد. دو تن از اعضای هیات دولت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. امیر انتظام قدیمی ترین زندانی سیاسی پس از آزادی، دوباره بازداشت شد. در آستانه انتخابات مجلس خبرگان رهبری بسیاری از کاندیداها از انتخاب شدن محروم شدند. چند دگراندیش سیاسی و فرهنگی کشته شدند. فعالیت برخی احزاب و گروه های سیاسی محدود یا ممنوع شد، نیروی انتظامی در روز روشن تماشاجی کتک خوردن شماری از شهروندان بود. هیات منصفه مطبوعات عملاً به حال تعطیل درآمد. دادگاه ویژه روحانیت اسدالله بیات و محسن کدیور را بازداشت کرد.

عبدالله خاتمی فر

۱۰ سال کمتر از دیگران

حالا چند سالی می شود که در یافته ام چرا استاد روزنامه نگاری در کلاس درس همیشه تأکید می کرد عمر روزنامه نگاران ۱۰ سال کمتر از دیگران است. دوم خرداد با موجی از تحولات آمد و یار سختی این کار افزود. روزنامه نگاری در سال ۷۷ چهره ای متفاوت نسبت به سال های قبل داشت، چرا که روزنامه های جدید با هدف تأمین استقلال، کثرت گرایی و آزادی در این حرفه وارد صحنه شده اند و بخش سنگینی از بار اهداف برنامه های دوم خرداد را بر دوش دارند. مردم به خصوصی قشر جوان و تحصیل کرده با مطبوعات آشنی کرده اند و در یک ارتباط متقابل جامعه و مطبوعات از یکدیگر تأثیرپذیر شده اند. این فضا به طور قطع به نفع مردم است. اما شاید سبب شود عمر روزنامه نگاران باز هم کمتر شود و سطح امنیت شغلی این حرفه از آنچه امروز شاهد آن هستیم، باز هم پایین تر آید. بدون شک سال ۷۷ برای جامعه مطبوعات ایران سالی پرالتهاب اما تعیین کننده بود که نتیجه مثبت آن در سال های آینده مشخص می شود.

رامین رادشیا

1378

CHALL ELECTRIC

SALES

ENERGY

COMPACT FLUORESCENT LAMP

8

7

3

1

شرکت چل الکتریک

نوروز باستانی ۱۳۷۸ را به شما

موظنان عزیز تبریک می گوید

تهران: خیابان دکتر بهشتی، شماره ۸۵، طبقه دوم

تلفن: ۸۷۶۰۵۲۹ - ۸۷۶۰۹۵۰ - ۸۷۶۰۹۵۱ فکس: ۸۷۶۵۷۹۰

نام آخرین رمان شما مهر گیاه است. چرا این نام را انتخاب کرده اید؟

مهر گیاه، گیاهی افسانه‌ای است. البته گیاهی به این نام وجود دارد. اما نه تا به خواص و ششماخی که اقوام مختلف برای آن قایل هستند. گویا این گیاه انواع تر و مادمه دارد و لذ برخی از خصوصیات آدمی را برای آن قایل شده‌اند. برخی معتقدند مهر گیاه وقتی آزار می‌بیند، به فریاد در می‌آید و کسی که شاخه آن را بشکند، دیوانه می‌شود؛ فاجعه‌ای رخ می‌دهد؛ باید نکثر را در همه جنبه‌ها پذیرفت. فاجعه، سرنوشت محنوم جوامع تک جنسی، تک صلبای و تک محوری است.

مهر گیاه یک اثر روان‌شناختی دربارهٔ زنان است وبه گمان من، موفق هم بوده‌اید. حالا چرا به عنوان یک مرد، به دنیای درونی نروداخته‌اید؟

می‌دانسان های دیگری هم نوشته‌ام که در آن انسان به طور عام مدنظر بوده یا این که مرد مجبور بوده است. این هم از جمله داستان‌هایی‌ست که دربارهٔ زنان نوشته‌ام. چیزهایی‌هست که دغدغه‌های ذهن من است.

رمان مهر گیاه دربستر تاریخی خاصی شکل می‌گیرد. چه لزومی برای این کار بوده است؟

جامعه ما به عنوان یک جامعه در حال گذار، مدام در موقعیت بحران قرار دارد و یکی از اوج‌های این بحران بر بستر نوسازی می‌ریشه رزاشاه، شکل می‌گیرد. بعد از شهریور بیست، این بحران آشکار می‌شود. جامعه می‌خواهد همه توانایی‌های خود را به مدد ابزاری که در بیست سی ساله گذشته خود دره ساخته‌است، آزاد کند. شاید می‌خواست‌ام حالت درونی قهرمانان داستان را زمینه تاریخی جامعه تطابق داشته باشد.

در ضمن به شما بگویم پدید آمدن یک رمان این قدرها هم تسهیل نیست که چرایی اجزای آن، همه منطقی محکم و استوار داشته باشد. طبیعی است یک رمان نویس مثل هر آدم دیگری به همه چیز فکر می‌کند و این چیزها ناگهان به یک تلاقی صلح آمیزی می‌رسند و آن وقت رمانی متولد می‌شود.

در این رمان و بسیاری دیگر از کارهایتان به نظر می‌رسد مردان را موجوداتی خبیث‌نکار و منفی‌نشان داده‌اید و تصویری اغراق شده از حالات مردان و از محرومیت زنان ارائه شده است.

نمی‌بینم و اصلاً چرا باید حقیقت کتاب را پشت کلیشه‌ای از این نوع پنهان کرد؟ زن‌ها کسی را تا اتمام وجود خود نمی‌پذیرند. این مکافات دنیایی‌ست که آنان را بین احساسی فداکاری و گناه، معاق نگهداشته‌است و نتیجه آن محروم شدن جهان از عشق است. هنوز حرف اساسی این است؛ باید گذاشت انسان‌ها زندگی کنند. ما ممکن است در جایی از پاره‌ای از حقوق خود صرف‌نظر کنیم، اما مطمئن باشیم در شکل رابطه ما با زندگی عارضه‌ای پدید خواهد آمد و تبعات آن دامن همه را خواهد گرفت. از این گذشته شاید بتوان برای این رمان سطوح مختلفی قایل شد. ببینید، زن بودن کار مشکلی‌ست اما در فضایی که تفاوت با ناندیده گرفته می‌شود، ممکن است بتوان گروه‌های دیگری را به جای آنان گذاشت، مثلاً جوانان یا روشنفکران را.

ولی در نهایت این وزن به سمت زنان می‌چرید و شما بیشتر به طرف‌داری از آن‌ها ... این سوء تفاهات خاص جامعه‌ماست. آن وقت‌ها هم هر کس را راجع به عدالت حرف می‌زد، می‌گفتند حکماً توده‌ای است. ما باید به تعادل برسیم.

شما می‌فرمایید طرف‌داری نشده ولی در مهر گیاه و مثلاً داستان «مردهای تابستانی، مردان انسان‌های مطلوبی نیستند.

مردهای بد، زن‌های خوب! این حرف‌ها کدام است؟ اگر پزشکی از بیماری‌های خاص کودکان حرف بزند، می‌توان او را به تبعیض میان کودکان و بزرگسالان متهم کرد تازه من از زنان و مردان خوبیسوی حرف زده‌ام. همانان که قهرمان داستان‌های من هستند. ممکن است ایشان به زنان با برداری که شما می‌شناسید خیلی بی‌شاهت باشند. من نمی‌توانسته‌ام از تجربیات شما حرف بزنم و اصلاً در داستان «مرد یکی از همین تابستان‌ها کدام مرد بد است؟ یا کدام زن خوب است؟ یا در داستان‌های تندیس، سروگل، درد پنجم، آینه و تازهد و ...؟ مگر می‌توان پدیده‌ها را این همه ساده کرد؟ من زیر بار آن نمی‌روم.

مجموعه داستان چیزی به فردا نمانده است؛ زنان را با مزاج سرد و مردان را با مزاج گرم نشان می‌دهد. این تبیینی فیزیولوژیک است یا صرفاً ترفندی ادبی‌ست؟

موضوع مزاج اصلاً مطرح نیست. موضوع شکل‌گیری عادت‌هاست. ناگزیرم توضیح بدهم. بعد از سیاحت‌های پهلوی، برخی جوامع جنسیت مدالی است که مردان را به سینه می‌چسبده‌ه‌ای. چون تنگی باید آن را پنهان کنند. برای مرد، شش‌هفت قدرت و نیرویی‌ست؛ برای زن تنگانه ضعف و شکست. اما سینه‌چسب‌ها، کینه‌خیزه‌ای از رفتار اجتماعی‌ست و بیماری پنهان و آشکار جوامع پهلویست. در واقع، ناظر به فرد خود را از غریزه‌ای‌ست که در ابعاد او ریزگرفتگی نیرومند جلوه داده می‌شود. همین لیب‌نیسم و اخلاقی که از آن ناشی می‌شود. خواستار آن است که زن در مورد جنسیت خود را به تنگی برزند، و نامزد کند؛ فدا را نه چیزی نمی‌داند. این توقع، عاقبت طرف را به عادت می‌زمن دست می‌کند و ساخت ذهنی او را معيوب می‌کند. حرمان، افسردگی و شکست نتیجه ناگزیر آن است. در خود فرو رفتن، از بیرون واصله داشتن، احساسی سرما کردن. مردان با تک‌پیر به همین خلصت، رفتار اجتماعی را سامان داده‌اند. این رفتار کاملاً خصمی در سطح اجتماع الگوهای خود را پدید آورده‌است. به نظر من استفاده از تعابیری چون جامعه پدر سالار و غیره ... به خوبی ادای مطلب نمی‌کند.

تک‌پیر تلا‌های خاص زنان و مردان در جامعه ما همه نشان از جامعه‌ای دارند که به شدت به جامعه مرد و جامعه زنان تقسیم شده‌است. گاهی حتی می‌کنم زنان این دو جامعه را باید به یکدیگر ترجیه کرد. اگر بخوای به همسرت به تاهم برس می‌باید همه نیرو و اصراف بر طرف کردن سوء تفاهمی کنی که جامعه به او تلقین کرده است. اما می‌دانم خیلی‌ها در رحمت این کار را به خود نمی‌دهند.

اما زمانی‌هم هستند که جرأت می‌کنند و در مورد سرنوشت خود پرسش می‌کنند. حتی با آن مبارزه می‌کنند همان‌هایی که دیگر چیزی برای باختن ندارند. شکست خوردگانی که به خانه اراج رانده می‌شوند.

همه داستان‌های شما البته پیرامون تازان‌ها زن و مرد نیست. ولی آن‌جا که زن و مرد در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند؛ شما اکثراً حق را به زن می‌دهید و مرد را خاطی معرفی می‌کنید. بر بسیاری از داستان‌های صیفه هم، این دیده می‌شود.

من اسم آن را تقابل نمی‌گذارم، من از کیفیت غیرقابل وصف غریز آدم حرف می‌زنم، من حسن نیتک را محکوم می‌کنم. آدم‌ها صاحب یکدیگر نیستند. فقط صاحب خود هستند. حالا دیگر تقابل زن و مرد به کلیشه‌ای بیش نیست. ریشه مصیبت‌های معاصر ما این است که از نوشن می‌توسیم. او نقد جدی رفتار خود برهمن می‌کنیم و حقیقت را همیشه پشت تعارف متقابل پنهان می‌کنیم. این اخلاق عهد قدیوناسی ما را به ملاحظاتی مزاحم محدود کرده است. ما نمی‌توانیم برای آن که امکان سموم شدن‌ها صفر برساییم، برای همیشه از غذا خوردن دست برداریم. تازه ما در زندگی روزمره همیشه آماده‌ایم تا تن به تجربه‌های خطرناک تری بسپاریم. انسان یعنی سنجیده‌ای از تپازها، آنچه شما اسم آن را تقابل می‌گذارید، خلصت اساسی محیطهایی است که این‌ها را پدید می‌می‌گیرد. چنین جوامعی همیشه تازام هستند.

در داستان مرد‌های تابستانی یک جور تازانی هست، عطشی که سیراب نمی‌شود، جست‌وجویی که هرگز به نتیجه نمی‌رسد.

درست است. وصل شدن به پاره‌ای که روز از ل پیکر آدمی جدا کرده‌اند. شما مطلب را خوب چرک‌ه‌اید چیزی که هرگز حاصل نمی‌شود؛ اگر می‌شد، زندگی معنا را از دست می‌داد.

در وزن‌های زمستانی؛ چطور؟

این داستان‌هم در واقع روایت دیگری از همین جست‌وجوست. منتهی از درون جمع زنان دیده می‌شود و این زنان (مسئله ممکن است کلی نباشد، منظورم شخصیت‌های داستان من هستند) البته قربانیان این جست‌وجو هستند. شاید همین جست‌وجوست که شعله زندگی را در درون آنان روشن نگه می‌دارد. آنان ناظر این بازی مهیج باقی مانده‌اند، آواری از شرایط آنان را به انتقال محض کشانده‌است.

چرا قهرمانان این داستان این همه احساس سرما می‌کنند؟

سرما همزد خلا و تاریکی‌ست و این‌ها همه در غیبت عشق سرما برمی‌کشند. این یک سرمای درونی‌ست.

در داستان چیزی به فردا نمانده است،؛ شما از کدام فردا حرف می‌زنید؟

فردای من با فردای شما فرق می‌کند. هر کسی فردای خود را دارد. قهرمان این داستان آرزو می‌کند یک لحظه پیش از مرگ وارد فردای خود بشود. شما بدانید هیچ فردایی خالی از آرزوی وصل شدن به آن کشنده ادبی نیست. منتهی گرفتاری این است که ما در لحظه می‌مانیم، در لحظه پیر می‌شویم و در لحظه می‌میریم.

در دریکی از همین تابستان‌ها ه قهرمان داستان زیر فشار آوار واقعیت دچار توهم می‌شود. آیا چنین سرنوشتی را نمی‌توان تغییر داد؟

شما همیشه اوست که دچار توهم می‌شود. او شنی صدای نجوی حشرات را می‌شنود؛ حشراتی که صاحب قدرت تکلم شده‌اند وهراسی‌های وسواسی آلودی که پایه در واقعیات زندگی دارند، در همه ذهنش گسترده می‌شود. او می‌ترسد از این که گوشه‌ای از گذشته‌اش نشان از چیزی داشته باشد که در شرایط جدید ممنوع، غیررسمی و قدغن اعلام شده است. او اصلاً ذهنش را می‌کاود و همه گذشته را بیرون می‌کشد، در مزج مزج او را از خانه دور می‌کنند. اما مرد می‌ماند.

او وارث اضطراب‌های ما همسر است و منتظر یک تماس تلفنی برای انجام یک ملاقات. ناگهان اتفاقی می‌افتد؛ یک آشنایی غیرمرتبه با جهانی پنهان اما ماندگار. آقای متین اخضر می‌شود، نه برای ملاقات، بلکه برای تحویل گرفتن وسایل. و بعد هوای ریمپیشی جهان دیگر را تجربه می‌کند، جهانی فارغ از قیل و قال‌های موقت روزانه.

داستان «منوس‌عادر اسفندیار، خیلی متاثیرکننده است.

برای این که شما لمح‌ه‌ای از تجربه‌ای ملموس و آشنا را در آن می‌بینید. ولی بدانید که این فقط یک داستان است.

چرا زن خیال می‌کند که پسرش برگشته است؟

آین آرزوی اوست. این آرزوآن قدر در ذهن او پیروزانده شده که عاقبت به امری ممکن و باورپذیر بدل می‌شود. اسفندیار در واقع نجات دهنده اوست.

حضور او قرار است زوال زندگی زن را به تأخیر بیندازد. اما جوانان رویتن تر نیستند. آنان از بقیه آسیب‌پذیرتر هستند همان قدر شکنده هستند که یک رویا، رویایی که در خطر تماس با بیداری است بهتر است جامعه بی‌رحم پدرسالار آن را به خاطر سپارد و تازه ما حق داریم اشتهاد کنیم، این زن سال‌ها در انتظار آمدن پسرش به سر برده بود.

در داستان «سروگل؛ قهرمان داستان سرانجام دست به اقدام می‌زند. چرا؟

چاره‌ای نیست. انسان شرایط را بی‌تغ خود تغییر می‌دهد. دست‌ها به همین کار می‌آیند.

اِزِرا‌ها برای همین ساخته‌اند.

ولی او دست به کنده همیز می‌برد.

او به دوران ماقبل تاریخ تعلق دارد. هنوز ابزارها به وجود نیامده‌اند. او فقط خاصیت

گفت‌وگوبا

امیرحسین چهل تن

...اما

انتخاب من،

زندگی است

درآمد انتشار مجموعه داستان

دخیل بر پنجره فولاد (سال ۱۳۵۷) در ادبیات داستانی ایران یک حادثه بود و نام امیرحسین چهل تن نویسنده بسیار جوان آن را بر سر زبان‌ها انداخت. او البته پیش از آن مجموعه داستان صیفه (سال ۱۳۵۵) را به چاپ رسانده بود، ولی آنچه موقعیت او را به عنوان نویسنده‌ای صاحب سبک تثبیت کرد، انتشار چند داستان کوتاه در کتاب جمعه شاملو در سال ۱۳۵۸ بود.

همان سال‌ها مطبوعات انتشار قریب‌الوقوع رمان جدید او، روضه‌قاسم را رعمه دادند. این کتاب هرگز به کتابفروشی‌ها راه نیافت. ده دوازده سال سکوت و آن وقت یک شکفتی دیگر: انتشار رمان تالار آینه، و یکی دو سال بعد مجموعه داستان «دیگر کسی صدامی نژد، و دوباره سال‌ها خاموشی. این روزها سه کتاب از امیرحسین چهل تن در دسترس علاقه‌مندان آثار اوست. رمان مهر گیاه، مجموعه داستان چیزی به فردا نمانده است، و چاپ تازه‌ای از رمان به یادماندی «تالار آینه».

به‌روایت تازه‌ای دوست کم‌به این لحاظ که جای‌نیکه تاز‌های به وضیعت زنان جامعه‌ی ما، بی‌گمان بیخ‌های زیادی به‌رنیال خواهد داشت. انتشار آن‌ها بهانه‌ی این گفت‌وگو است.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷. در کنار او: فرزانه، همسرش، و فرزانه و پسرش، آراد.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

امیرحسین چهل تن در سال ۱۳۷۷.

ویژه‌نامه نوروزی

شبه این است که آدمی را به تنه‌ی ضدِ عیب رانده باشند و به او بگویند نکشو، نشین! شما خیال نکنید، تنها در وجود آن اداره قیسمه متجلی است. تا وقتی مطبوعات دولتی و صدا و سیما دست از پاکبوت ادبیات مدرن بر ندارند همچنان بال و پر ادبیات داستانی بسته می‌ماند.

شبهو داستان گویی شما اغلب ساده و سراسرت است. چقدر به تکنیک بها می‌دهید

یا امکان جولان آن را فراهم می‌آورید؟

امیدوارم تخفیف آثاری از این دست منظور شما نباشد. در ضمن هر داستانی تکنیک خاص خود را دارد. اگرچه بعضی از این تکنیک‌ها از بقیه ساده‌تر هستند.

امایه شما بگویم موضوع انتخاب در میان نیست. از چه در تکنیک آثار هنری نقش عمده را

دارد، ساخت ذهنی فریبندگان آن‌ها و درک آنان از وضیعت جهانی‌ست که در آن زندگی می‌کنند. تکنیک‌های پیچیده چیزی نیست جز بازتاب اوضاع، بفرع بشری و خیال تکنید که خود به خود می‌تواند هدف هنرمند باشد.

حالا کمی به آثار گذشته شما بپردازیم. در اولین مجموعه داستان شما - صیفه - از زبان محاوره‌ای استفاده کرده‌اید. چه چیزی در این روایت‌ها بود که شما را ملزم یا علاقه‌مند به استفاده از آن کرد؟

آن داستان‌ها روایتی است و عموماً از زبان اول شخص مفرد روایت می‌شود. بر اساس حس طبیعی من از زبان، روایت را جز با زبان محاوره‌ای مصنوعی والکن می‌دانستم.

الا من همین نظر را دارید؟

خیر، خواندن اثر محاوره‌ای کسی مشکل است. الا آن فکر می‌کنم استفاده از لحن و بافت

زبان محاوره برای نوشتن یک کثر روایی داستانی کافی‌ست. این دیوان - زبان محاوره و زبان نوشتار

- به شدت به هم نزدیک می‌شوند. یکی از مهم‌ترین تحولات زبان فارسی در عصر حاضر بر همین

از دخیل بر پنجره فولاد تا تالار آینه، ۱۲ سال فاصله است. در این بین چه اتفاقی افتاد؟

لایه دوباره ناچارم از سر گذشت عم انگیز رمان روضه‌قاسم و بررسی سنگدل آن حرف بزنم. سال ۱۳۴۲ رمان چاپ شده روضه قاسم برای اخذ مجوز پخش به آن وزارتخانه فخریه‌ا راه شد.

مجوز پخش ندادند و آن را مشروط به حذف قسمت‌هایی دانستند که همه بخش‌های کتاب را در بر می‌گرفت. کتاب به ناچار خمیر و مجدداً چاپ شد و همه نظرها آن وزارتخانه فخریه هم اعمال شد. و حالا که پانزده سال از آن روزگار می‌گذرد، همچنان پنج هزار و پانصد نسخه از این کتاب در چاپخانه افست خاک می‌خورد. من اصلاً نتوانسته‌ام علت مخالفت با این رمان را بفهمم. کسی تا امروز هیچ توضیحی نداده است.

می‌دانم که این کتاب در خارج از کشور چاپ شده است. چه مشکلی داشت که در ایران به آن اجازه پخش ندادند؟

لطفاً شما تحقیق کنید و نتیجه را به من هم بگویید.

من؟
بله، شما! مگر شما روزنامه‌نگار نیستید؟ مگر روزنامه‌نگاران اجازه ندارند. در عملکرد وزارتخانه‌ای چند و چون کنند، و از آنان در مورد آن چه می‌کنند، توضیح خواهند؟

این البته به شرطی است که شما به موضوع علاقه‌مند باشید.

در زمان تالار آینه، به زوال یک خانواده قاجاری پرداخته‌اید. این یک تمثیل نیست؟
منک است ولی من نمی‌توانم راجع به آن نظر شخصی داشته باشم. در ضمن آن چه را زوال یافته پنداشته‌اید دست کم تا همین حالا به حیات خود ادامه داده است.

عصر فجر را می‌گویید؟

بله، عصر فجر که همان عصر حجر باشد.

این کتاب را با شاهزده احتیاج قیامیه می‌کنند؟

ممکن است. ولی من این را خیلی نشنیده بودم. خوب بالاخره هر دو رمان هستند. همیشه می‌توان رمانی را با یک رمان دیگر قیامیه کرد. ولی این دو رمان هر دو به یک دوران پرداخته‌اند.

در ضمن رمان را لابد نمی‌توان با یک قایق قیامیه کرد.

در مجموعه دیگر کسی صدام نژد، نوحی مرگ آندیشی دیده می‌شود.

ارتباط یهودیان با ماجرای استیضاح کلیتون



اخیر کلیتون در آینده روشن خواهد شد. اما شکی در این نیست که نفوذ از جانب این منطقه چنان‌وی را تضعیف کرده است که نتایج‌ها به قرار داده ای، یعنی قرار داده‌ای که در حضور وی امضا شد پشت پا می زند و علناً کلیتون را به مبارزه می طلبد. اما کلیتون نمی تواند هیچ کاری برای مجبور کردن نتایج‌ها به پیروی از این قرارداد انجام دهد. یک نکته دیگر که قابل اثبات است این است که گرچه اسرائیلی ها کلیتون را بهترین رئیس جمهوری حامی اسرائیل خوانده اند، اما ال کور، معاون وی، گوی میقت را در خصوص وفاداری علنی به اسرائیل از مافوق خود ربوده است. اگر کلیتون در مجلس نمایندگان با رای اکثریت استیضاح شود و سپس با ۲۳ رأی در سنا از مقام خود خلع شود، گور دو سال باقی مانده ریاست جمهوری کلیتون را برعهده خواهد گرفت.

اتگاه اگر خلع کلیتون قبل از بیستم ژانویه صورت گیرد گور خواهد توانست برای یک دوره چهار ساله نیز ریاست جمهوری آمریکا را برعهده گیرد و احتمالاً برای شش سال این مقام را در اختیار داشته باشد. اگر خلع کلیتون پس از بیستم ژانویه اتفاق افتد گور می تواند برای دو دوره خود را نامزد ریاست جمهوری کند و احتمالاً ده سال این مقام را در اختیار داشته باشد.

این فرض که کلیتون یا از نظر سیاسی در باقیمانده دوره ریاست جمهوری خود تضعیف خواهد شد و یا گور عملاً جای وی را خواهد گرفت مسلماً باعث شادمانی گروه‌های نفوذ اسرائیل در واشنگتن و نیز حامیان آنها در میان نیروهای اطلاعاتی اسرائیلی خواهد شد. آنها احتمالاً بیاد دارند که در سال ۱۹۶۳ چندی پس از ترور جان اف کندی، لیندون بی جانسون، جانشین وی به یک دیپلمات اسرائیلی گفت: «شما یک دوست بزرگ را از دست دادید اما یک دوست بزرگتر به دست آوردید.»

شاید طی چند هفته آینده نیز گور همین سخن را به زلن شاول، سفیر کنونی اسرائیل در واشنگتن، بزند.

ستر جم، پیمان صادرات

انتشار به موقع داستان جلوگیری و کلیتون را از بریدن آشکار از نتایج‌ها بازدارد. واشنگتن پست که ناشر آن به نام کاترین گراهام نشریه نیوزویک را نیز در اختیار دارد داستان را منتشر ساخت. این نخستین بار نیست که واشنگتن پست عمیقاً درگیر مسائل خاورمیانه می شود. همین نشریه بود که ماجرای رسوایی واتر گیت را که به استیضاح ریچارد نیکسون انجامید فاش ساخت و دست از آن برداشت.

کسانی هستند از جمله نگارنده این مقاله، که معتقدند منبع واشنگتن پست برای انتشار مگر خبرهایی که ماجرای واتر گیت را زنده نگه می داشت نیروهای امنیتی اسرائیل بود. این نیروها هر خبر و داستانی را که می توانستند درباره نیکسون و پرسنل وی از برخی از اعضای یهودی دولت کنه برجسته ترین آنها هنری کیسینجر، وزیر خارجه وقت آمریکا بود، جمع آوری می کردند. متأسفانه این را نه می توان ثابت و نه رد کرد. همچنین نمی توان ثابت کرد که واشنگتن پست تعداد را یک توطنه اسرائیلی هدست بوده است. با این حال، کاترین گراهام یک پدر یهودی و یک مادر مسیحی دارد. تمایل مذهبی وی به هر طرف که باشد، البته اگر چنین تمایلی اصلاً وجود داشته باشد، وی همیشه نشان داده است که شخصاً با اسرائیل همدلی دارد.

از میان چهار روزنامه نگار واشنگتن پست که مفضلاً در ماجرای افشای رسوایی واتر گیت دست داشته یک گزارشگر به نام کارل برنشتاین و یک سردبیر به نام هالود سیمون یهودی هستند. درحالی که یک گزارشگر دیگر به نام باب وودوارد و یک سردبیر اجرایی به نام بن برادلی یهودی هستند. اما هر چهار نفر، به ویژه وودوارد، همواره هم قبل از ماجرای واتر گیت و هم بعد از آن از حامیان اسرائیل بوده‌اند.

اما آنچه که می توان به روشنی ثابت کرد عزم نیکسون در دوره دوم و ناتمام ریاست جمهوری خود برای پایان دادن به مناقشه اعراب - اسرائیل از طریق فشار آوردن به اسرائیل است. ماجرای رسوایی واتر گیت که توسط واشنگتن پست افشا شد در ست همان گونه یان یافت که به اصطلاح، شکفتی کتیر، با همکاری ایران و عوامل اسرائیل به آرزوهای مشابه کارتر پایان داد. اما راقام رسانه‌های طرفدار اسرائیل نیز قانعانه در شکست بوش و یان روتاریونی وی با اسرائیل نقش داشتند.

میزان نفوذ خاورمیانه بر جریان رسوایی

از میان چهار روزنامه نگار واشنگتن پست که مفضلاً در ماجرای افشای رسوایی واتر گیت دست داشتند یک گزارشگر به نام کارل برنشتاین و یک سردبیر به نام هاوارد سیمون یهودی هستند. در حالی که یک گزارشگر دیگر به نام باب وودوارد و یک سردبیر اجرایی به نام بن برادلی یهودی هستند. اما هر چهار نفر، به ویژه وودوارد، همواره هم در قبل از ماجرای واتر گیت و هم بعد از آن از حامیان اسرائیل بوده‌اند.

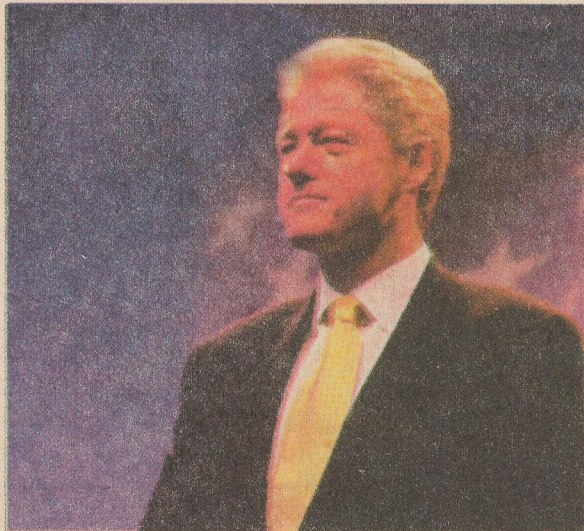
با این حال شکی نیست که مونیکا لوبنسکی نافذ و والتر کی، از دموکراتهای تروتمند مرلند به کاخ سفید راه یافت. والتر کی همان کسی بود که کمکهای سخاوتمندانه‌ای به مبارزات انتخاباتی کلیتون و نیز به اسرائیل کرد. اما والتر کی با آوردن یک دختر یهودی به کاخ سفید به عنوان یک کارآموز همان کاری را کرد که افراد و سازمانهای طرفدار اسرائیل سالها در سراسر واشنگتن مشغول آن بوده‌اند.

هر تابستان کمیته امور عمومی آمریکا - اسرائیل، که گروه ذی نفوذ اصلی اسرائیل در واشنگتن است، سدها دانشجوی یهودی را برای کارآموزی در سراسر بخشهای دولت فدرال و به ویژه در دفاتر اعضای کنگره به کار می گمارد. بنابراین بسیاری از کارآموزان تحت حمایت این کمیته بعدها به طور تمام وقت در دفاتر و ادارات کنگره به کار مشغول می شوند و آن دسته از اعضای کنگره که دست کم یک کارآموز سابق این کمیته را در میان کارکنان خود ندارند به طور مرتب از طرف یهودیان مورد سوال قرار می گیرند. هیچ گروه فشار دیگری در واشنگتن در این خصوص چنین موفقیتی نداشته است. همچنین تا آنجا که نگارنده این مقاله می داند هیچ کارآموزی که به تازگی از کالج فارغ التحصیل شده باشد تا کنون نتوانسته است رئیس جمهوری را اغوا کند یا توسط وی اغوا شود و بدین ترتیب از وی اخذی کند. برعکس، تا این لحظه شواهدی وجود دارد که بی گناهی احتمالی مونیکا لوبنسکی را نشان می دهد. شاید وی فقط یکی از طرفداران پروپاقرص چهره های سیاسی بود که جذب مردان سن تر از خود می شوند. شاید هم وی دختر زیبا و از نظر جنسی مجرب بود که می دانست چگونه از مردان برای رسیدن به امال و آرزوهای شخصی خود استفاده کند. این واقعیت که مونیکا لوبنسکی در دوره تبعید به پتنگون و هنگام تلاش برای بازگشت به کاخ سفید با یک مرد متاهل در اداره پنتاگون رابطه داشته است از هر دو نظریه حمایت می کند.

اما در سال ۱۹۹۷ ماجرای ارتباط یک کارآموز پرگو و رئیس جمهوری طاع به برگ برنده طرفداران اسرائیل مبدل شد. این لوئیس گولدبرگ از عوامل ادبی اسرائیل بود که از دوست خود و لیندا تریپ جیمزخواه درخواست کرد تا چریک گفتگوی خود با لوبنسکی درباره کلیتون را ضبط کند. مایکل ایساگوف، از گزارشگران یهودی نیوزویک نیز یکی از نخستین روزنامه نگاران، ولی نه تنها روزنامه نگاری بود که بخشی از این مکالمات ضبط شده را شنید.

ایساگوف داستانی را درباره ماجرای رابطه کلیتون و لوبنسکی برای نیوزویک آماده کرد که در تمامی روزهای هفته چهارم ژانویه ۱۹۹۸ در د های روزنامه فروشی بود. در همین هفته قرار بود یاسر عرفات به واشنگتن سفر کند تا بر تبعید خود برای همکاری در زمینه اجرای موافقت نامه اسلو تأکید کند. دوروز پس از آن نیز فریز بود. بنیامین نتانیاو، نخست وزیر اسرائیل، وارد واشنگتن شود و انتظار همگان این بود که وی در این سفر با کلیتون به طور جدی به مقابله پردازد.

نتانیاو که از همان ابتدا خود را برای این کار دشوار آماده ساخته بود بلافاصله خود را از فرودگاه به راهپیمایی طرفداران اسرائیل در واشنگتن رساند که توسط سازمان صهیونیست آمریکا از گروه‌های یهودی افراطی، و «جری لال ول» از مسیحیان بنیادگرای آمریکا سازمان یافته بود. جری فال ول که به اجرای مراسم مذهبی مسیحیت در تلویزیون اشتغال دارد همان کسی است که زمانی یک هواپیمای دولت اسرائیل به عنوان هدیه در یافت کرده بود. فال ول یک توار ویدیویی را (به قیمت نسبتاً گران) با عنوان «پرونده های کلیتون، نوزیع می کند که در آن ادعا شده بود کلیتون در از کاترانی در ماجرای قتل فاجای موادمخدر دست داشته است. گفت اسرار، مامور ویژه پیگیری ماجرای کلیتون که از داستان ایساگوف بویی برده بود نیوزویک را متقاعد کرد تا این داستان را تا یک هفته انتشار دهد تا لیندا تریپ در این مدت شواهد افشاگر بیشتری جمع آوری کند. نیوزویک با این درخواست موافقت کرد اما بعداً معلوم شد که این کار نتوانست از



لوئیس گولدبرگ از عوامل ادبی اسرائیل بود که از دوست خود و لیندا تریپ جیمزخواه درخواست کرد تا چریک گفتگوی خود با لوبنسکی درباره کلیتون را ضبط کند. مایکل ایساگوف، از گزارشگران یهودی نیوزویک نیز یکی از نخستین روزنامه نگاران، ولی نه تنها روزنامه نگاری بود که بخشی از این مکالمات ضبط شده را شنید.

ایساگوف داستانی را درباره ماجرای رابطه کلیتون و لوبنسکی برای نیوزویک آماده کرد که در تمامی روزهای هفته چهارم ژانویه ۱۹۹۸ در د های روزنامه فروشی بود. در همین هفته قرار بود یاسر عرفات به واشنگتن سفر کند تا بر تبعید خود برای همکاری در زمینه اجرای موافقت نامه اسلو تأکید کند. دوروز پس از آن نیز فریز بود. بنیامین نتانیاو، نخست وزیر اسرائیل، وارد واشنگتن شود و انتظار همگان این بود که وی در این سفر با کلیتون به طور جدی به مقابله پردازد.

نتانیاو که از همان ابتدا خود را برای این کار دشوار آماده ساخته بود بلافاصله خود را از فرودگاه به راهپیمایی طرفداران اسرائیل در واشنگتن رساند که توسط سازمان صهیونیست آمریکا از گروه‌های یهودی افراطی، و «جری لال ول» از مسیحیان بنیادگرای آمریکا سازمان یافته بود. جری فال ول که به اجرای مراسم مذهبی مسیحیت در تلویزیون اشتغال دارد همان کسی است که زمانی یک هواپیمای دولت اسرائیل به عنوان هدیه در یافت کرده بود. فال ول یک توار ویدیویی را (به قیمت نسبتاً گران) با عنوان «پرونده های کلیتون، نوزیع می کند که در آن ادعا شده بود کلیتون در از کاترانی در ماجرای قتل فاجای موادمخدر دست داشته است. گفت اسرار، مامور ویژه پیگیری ماجرای کلیتون که از داستان ایساگوف بویی برده بود نیوزویک را متقاعد کرد تا این داستان را تا یک هفته انتشار دهد تا لیندا تریپ در این مدت شواهد افشاگر بیشتری جمع آوری کند. نیوزویک با این درخواست موافقت کرد اما بعداً معلوم شد که این کار نتوانست از

اشاره: بر آن ششیم تا در پایان سال پرتنش ۱۳۷۷ بهترین مقالات نشریات جهان را برای شما به چاپ رسانیم. ماجرای اعدام اوجان، اسامه بن لادن، کلیتون و بورو (پول جدید اروپایی) موضوعات مهم سال جاری است. مقالات از نشریه ترجمان برگزیده شده است که در صفحه ۱۷ و ۱۸ ویژه نامه نشاط می خوانید.

برخی از ایرانیها معتقدند از سال ۱۹۸۰ در انتخاب یا کنار رفتن رؤسای جمهوری آمریکا نقش داشته‌اند. در آن سال که سال انتخابات نیز بود رژیم آیت الله خمینی پیشنهاد جیمی کارتر، رئیس جمهوری وقت آمریکا را که از دوستان شاه تلقی می شد نادرده گرفت. این پیشنهاد عبارت بود از آزاد کردن پولهای توقیف شده‌ای که توسط شاه برای خرید تسلیحات به آمریکا پرداخت شده بود. اما هیچگونه سلاحی در برابر آن به ایران تحویل داده نشد. کارتر در عوض آزاد کردن این پولها از ایران می خواست که گروه‌های سفارت آمریکا تا ماه اکتبر، یعنی یکماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری آزاد شوند.

اما فرستاده های ایران در عوض به طور مخفیانه به دست اندر کاران مبارزات انتخاباتی رونالد ریگان ملاقات کردند و قول دادند که گروه‌ها تا قبل از برگزاری انتخابات آزاد نخواهند شد و بدین ترتیب شکست کارتر را در انتخابات رقم زدند.

این که نمایندگان مبارزات انتخاباتی ریگان پاسخی دادند یا خیر جای بحث دارد. با این حال گروه گانها تا پانزده دقیقه پس از ادای سوگند ریگان به عنوان رئیس جمهوری جدید آمریکا آزاد نشدند. و در عرض پنج ماه پس از آن تاریخ، ایران که درگیر جنگ با عراق شده بود دست کم پنج محموله هوایی قطعات یدکی تجهیزات نظامی آمریکایی را دریافت کرده بود. شواهدی که نشان دهد ایران در چهار انتخابات ریاست جمهوری بعد آمریکا نیز تأثیر گذاشته باشد چندان متقاعد کننده نیست. در ضمن این نیز مشخص نیست چرا ایران که از سال ۱۹۷۹ هیچگونه رابطه دیپلماتیک با آمریکا نداشته ممکن است بخواهد یک نامزد ریاست جمهوری این کشور را به نامزد دیگری ترجیح دهد.

برعکس، از زمان تشکیل اسرائیل، متافع این کشور و سازمانهای یهودی آمریکایی حامی آن به طور آشکاری در تمامی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا - از جمله انتخابات سال ۱۹۸۰ - قابل تشخیص بوده است. در آن سال اسرائیلیها کارتر را

نمی خواستند. کارتر امیدوار بود همانگونه که میانجی صلح مصر و اسرائیل بود، میان اسرائیل و فلسطینی ها نیز صلح برقرار کند و با این کار بغث خود را برای پیروزی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا افزایش دهد.

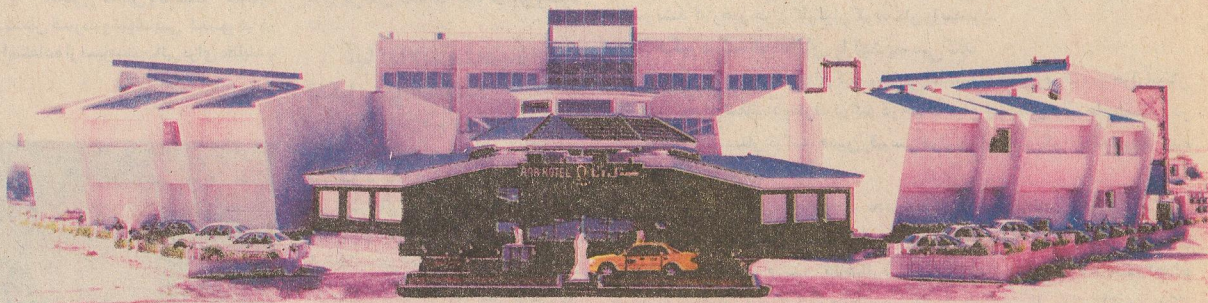
در حقیقت، ملاقات میان مسئولین مبارزات انتخاباتی ریگان و ماموران سری دولت ایران با میانجیگری یهودیان ایرانی صورت گرفت و تمامی آن سلاحهای آمریکایی که بعدها در سال ۱۹۸۱ از ایران سرور آوردند از ابزارهای اسرائیل و یا هواپیمای تحت اداره اسرائیل به ایران انتقال یافتند. دقیقاً همین ساله مجدداً در طول دوره دوم ریاست جمهوری ریگان در قالب رسوایی ایران گیت در سال ۱۹۸۶ و ۱۹۸۶ روی داد. این بار سلاحهای بسیار بیشتری به ایران انتقال یافت که ظاهراً دلیل آن کمک به آزاد شدن گروه‌های آمریکایی در لبنان بود. این بار نیز سلاحها از اسرائیل به ایران انتقال یافت و پول آن نیز از جانب ایران به صورت نقدی به اسرائیل پرداخت شد. همچنین تردیدی نیز وجود ندارد که اسرائیل، گروه‌های ذی نفوذ این کشور در آمریکا، جامعه یهودیان آمریکا و به ویژه دوستان اسرائیل در رسانه های جمعی آمریکا نقش کلیدی در شکست جورج بوش در برابر بیل کلینتون در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۲ داشتند. بوش در این سال قصد داشت برای بار دوم به ریاست جمهوری آمریکا برسد. برخی از همین بازیگران طرفدار اسرائیل به طریقی نامحسوس تر در پیروزی کلینتون در برابر رابرت دال، رهبر سابق جمهوریخواهان سنا نیز نقش داشتند.

بنابراین در جستجو برای یافتن سر نخ‌های در خاورمیانه که ارتباطی با استیضاح فریب الوعود کلیتون داشته باشد می توان ایران را فراموش کرد. به عقیده نگارنده این مقاله، این نظر به فرامیگردن خاورمیانه را نیز نمی توان رد کرد که می گوید مونیکا لوبنسکی با نقشه قبلی به کاخ سفید آورده شد تا کلیتون را از طرف اسرائیل به دام اندازد.

دقت برای کمال

ما برای شما میهمانان عزیز

بهترینهای دنیا را فراهم کرده ایم



آدرس دفتر تهران: بلوار میرداماد، شماره ۱۱۰، طبقه سوم

دفتر تهران رزرواسیون هتل آنا

تلفن و فکس دفتر تهران: ۲۲۷۷۲۴۴ - ۲۲۲۷۶۴۱

تلفن و فکس هتل آنا، جزیره کیش: ۲۴-۲۲-۲۴۱۲-۰۷۶۴۴۴

۰۷۶۴۴۴ - ۲۴۳۷۰

تلفن

همه چیز را با پای کمال

آغاز کنیم

لیست نمایندگان فروش محصولات هکزان

- تهران شرکت پخش سیانا (ای لی یوت) ۰۲۱-۶۸۰۴۷۹۵
- تجنجان شرکت پخش سیانا (ای لی یوت) ۰۲۱-۲۰۵۲۷
- قم شرکت پخش سیانا (ای لی یوت) ۰۲۱-۶۵۳۳۸
- اردبیل شرکت پخش سیانا (ای لی یوت) ۰۲۱-۳۵۱۴۴۳
- قزوین شرکت پخش سیانا (ای لی یوت) ۰۲۱-۲۱۳۳۲
- کومانشاه شرکت پخش سیانا (ای لی یوت) ۰۲۱-۵۲۵۸۶
- رشت شرکت پخش سیانا (ای لی یوت) ۰۲۱-۶۶۱۷۵۳
- تکابین شرکت پخش سیانا (ای لی یوت) ۰۲۱-۳۷۸۹۶
- قائمشهر شرکت پخش یانا (ای لی یوت) ۰۲۱-۳۴۸۱۱
- گرگان شرکت پخش سیانا (ای لی یوت) ۰۲۱-۳۸۲۹۶
- سمنان شرکت پخش سیانا (ای لی یوت) ۰۲۱-۳۹۴۴۷
- اصفهان شرکت خاور صنوبر سیاهان ۰۲۱-۶۱۸۲۵۶
- تبریز شرکت آذر نسیم ۰۲۱-۳۳۰۲۱۳
- میوه شرکت پاکساران نوید سیاهان ۰۲۱-۶۶۵۷۵۳
- کرمان شرکت پاکساران نوید سیاهان ۰۲۱-۲۲۸۳۷۸
- شیراز شرکت پخش گلهام ۰۲۱-۲۵۳۷۸
- مشهد شرکت صدر تجارت طوس ۰۲۱-۷۸۳۴۵۱
- کرج شرکت پخش اعرابی ۰۲۱-۲۳۲۷۲۲
- بندر عباس شرکت بهداشتی فرزاد معش ۰۲۱-۳۳۷۶۱
- همدان شرکت پخش بهرامی ۰۲۱-۳۸۸۷۱۴
- ارومیه شرکت پخش سامان ۰۲۱-۲۲۲۸۳۹
- یوشهر شرکت پخش ولیعصر ۰۲۱-۲۲۳۳۷
- اهواز شرکت دنیای مهر جنوب ۰۲۱-۶۱۱۲۱۰۱۲

هکزان

آلبه نشاط

کیشتم و کیشتم همه دنیا رو کیشتم

امروز وفردا کردم

هکزان و پیدا کردم

نشانی دفتر مرکزی: تهران، خیابان دکتر مفتاح شمعی

کوچه برافش، شماره ۳۳

تلفن: ۰۲۱-۸۸۲۷۳۲۸ - ۸۸۳۳۸۳۸ - ۸۸۲۶۲۷۶ فاکس

NESHAT 2 • No.24 • Vol.1 • Mar,18,1999 • New

نریون

روابط با آمریکا و تعریفی تازه

سمود بهنود

به شکرانه آن که نوروز است و هنوز هم هست می گویم. بر خلاف گفته شاعر که گفت: «حکیم هست و دوا هست، درد باید و نیست، از قضا درد هم هست، که وجود در خود حکایت از آن دارد که جانی هست و روانی و چون جان باشد و روان باشد، هیچ دردی نیست کان را چاره نیست، از حکایت ایران و ایالات متحده آمریکا می نویسم.

از سالیان دور، از همان دوران که برای نخست بار امیر تاریخ ایران میرزاتقی خان قراهنای به فکر افتاد با یکنگه دنیا روابطی برقرار کند و به ایلی خود در عثمانی فرمان داد تا با همتای آمریکایی خود باب گتنگو بگشاید تا حال که نوزده سال و پنج ماه از آغاز خصوصت دو کشور می گذرد، تهران و واشینگتن همیشه به نوعی در دل دیگری جا داشته اند. ولی بعداز جنگ جهانی دوم دو دوره مشتاد را گذرانده اند. در یک دوره هم بیشتر در تاریکی بودند و در دوره اخیر دشمن در تاریکی، اگر امروز قصد آن کنند که در آن زمان انقلابی ناباور به ثمر رسیده بود، بی یاری هیچ نیروی بیگانه، نظامی به ظاهر قدرتمند و مستقر سقوط کرده بود با ده ها پند و پیوستگی به قدرت های بیگانه. هنوز خیال بازگرداندن شاه، باکودتایی به سود یک حکومت غربیگا یا ایجاد ناامنی و جنگ داخلی از سر برنامہ برزان حکومت های صاحب قدرت، بیرون رفته بود.

نه روزی که دانشجویان از دیوار سفارت آمریکا در قلب تهران، هشت ماه بعد از پیروزی انقلاب بالا رفتند، بلکه روزی که حرکت آنان از سوی رهبر انقلاب تأیید شد و حتی انقلاب دوم، لقب گرفت، ایران وارد دوران تازه ای از حیات سیاسی خود شد. هم از جهت داخلی و هم از دید سیاست بین المللی. در آن زمان انقلابی ناباور به ثمر رسیده بود، بی یاری هیچ نیروی بیگانه، نظامی به ظاهر قدرتمند و مستقر سقوط کرده بود با ده ها پند و پیوستگی به قدرت های بیگانه. هنوز خیال بازگرداندن شاه، باکودتایی به سود یک حکومت غربیگا یا ایجاد ناامنی و جنگ داخلی از سر برنامہ برزان حکومت های صاحب قدرت، بیرون رفته بود.

ما مردم بعد از سال ها زندگی در نظام های استبدادی به آزادی خود ناشتیم و قواعد این بازی را نمی دانستیم. نه در سویی که حکومتگران بودند که تازه از تبعید بازگشته با از زندان ها به درآمده بودند و نه در طرفی که مردم عادی کوچه و بازار بودند. اداره مملکتی ۳۵ میلیونی در کنار دروازه های خرس سرخ و در حلقه دشمنان به شوق آمده از پریشانی جزیره ثبات، و ژاندارم منطقه، کار آسانی نبود و اگر بود از عهده انقلابیون مشق حکومت نکرده، بیرون بود. مرزها پریشان و زمره های غریب و نامأنوس در همه استان های مرزی بلند، اعتصاب و تظاهرات هر روزه خیابانی، مسداها تشکل و بارگیری، همان تصویری که سال بعد سردار قادسیه را رغبت صیادی آورد.

در آن شرایط ترسیدن از هر ریسعمان سیاه و سفیدی شرط عقل بود. پیوژه ریسمانی که از ۲۵ سال پیش بر گردن ها بسته بود. بیهوده نبود که اکثریت قریب به تمام زندانیان گونه گونی که در زندان های رژیم بودند در شعار «مرگ بر آمریکا» با یکدیگر اشتراک نظر داشتند. بیهوده نبود که از فردای گروگانگیری تمام گروه ها به تأیید به خیابان تخت جمشید (آن زمان) ریختند. دانشجویان ایرانی بازگشته از آمریکا، درس خواندگان آن دیار و احزاب و دسته های میانه رو و لیبرال، گاه در جلوی صف بودند.

گروگانگیری و اشغال سفارت آمریکا در روز وقوع خود تبلور و نشانه یک خواست همگانی، نشانه استقلال خواهی و غرور بود برای ملتی که بعد از «مرگ بر

شاه» شعار ملی تر از «مرگ بر آمریکا، نداشت، این از دید مردم. اما چندی بعد از شاهزهبان انقلاب این ماجرا به گونه ای دیگر هم تعریف شد و آن بر هم زدن بازی بود که خریفان در آن چریدست استاد بودند و گمان بپروزی، در آن نمی رفت. پدیرش بازی دیپلماتی بین المللی و عرف جهانی برای ملتی که تازه از گیر حکومتی بیرون آمده بود که جهانی را با خود دوست داشت، به منزله قبول شرکت در جنگی نابرابر بود.

به زبان دیگر انقلاب فرصت می خواست تا سرا پا یستد و خیال های بد را از سرها به بر کند و بر مصایب خود چیره و مستقر شود. این که در عمل با صندوقچه اسرار سفارت چه شد و چه حکایت ها پس از طولانی شدن ماجرا بر سر ایران رفت و ایان کار چگونه بود از این بحث بیرون است. اما در یک کلام به نظر می رسید در آن سرای بی کسی که کسی به در نمی زد و پریشانی، خوف خطر داشت، بریدن تند و خشن بدیهایی که ایران را به ابرقدرت های نظام پیشین مرتبط می کرد کاری بود که با همه خیرها برای انقلاب جوان و بی تجربه لازم به نظر می رسید. سال بعد جنگ عراق همین نقش را گرفت و وحدت بخش شد، بنون ها در زیر آفتاب جنگ خود را بست و معکم شد.

اینگ به خلاصه ترین کلام، بیست سال از آن زمان گذشته است. نسلی بیرون

زده به به توالی انقلاب، گروگان گیری و جنگ استقلال را با تمام شیرینی ها و زجرهای آن موخته، هزینه های آن را پرداخته و در سرزمینی مستقر و محکم که تمام جهان به استقرار و ثبات آن باور دارند، تجربه هایی به دست آمده گرانتهیا، دشمنان خسته شده اند، خیال و در دسری نیست و اگر هست امکان آن ندارد که به عمل درآید. دنیا با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دیگرگون شده، بعد از سه قرن، برای نخستین بار ایران با هیچ ابرقدرتی در خاک همسایه نیست. حتی توان آن در کرد دیده که به تجربه کاری بپردازد که برای آن انقلاب کرد و در تاریخ خود - جز کوتاه مدت هایی - نیازموده بود، یعنی مشارکت دادن مردم در سرنوشت خود. به همان گونه که جوانان آتشین مزاج انقلاب موسفید کرده اند و تجربه موخته اند، تجربه حکومت داری و اداره خود فراهم آمده. در آب های جنوب نیروی دریایی ایران ژاندارم بود و هم پیمان غرب. اینک ناوگان های ناتو رزه می روند. در شمال پاسنگه های قدم به قدم امپراتوری سرخ بود اینک پنج جمهوری فقیر، بر رفیع رگسگی منابع خود را در بازارهای بین المللی به مناقشه گذاشته اند و مستشاران فرنگی به رهبران خود مشق حکومت می دهند. در این سوطالبان روهه قرون ماضی دارد در آن سو ترک ها فقط به قتل مضارع مدینه و تجدد را از نوع نامشایی آن صرف می کنند، و... قرن شگفتی او بیستم روهه پایان است.

حالا آیا این سخن، سخنی است یا کهنه دشمنایی است، اگر بگوییم که روابط با

یکنگه دنیا را باید دوباره تعریف کرد. کدام نسخه است که برای تمام ادوار و تمام بنماری ها در تمام شرایط تجویز شود؟ به روزگاری جنگ با عراق درصرد اولویت ها امروز به درست باید با مردم عراق - همانان که می خواستند صدام را به تهران آورد - در مصیبتی که به آن گرفتارند، همدردی کرد و صدای مظلومیت آنان را به گوش جهان رساند.

این همان روزگار است. به روزگاری آل سعود بدتر از صدام بود و طوگ حجاز را به رسمیت نمی شناختیم. امروز به درست دست در دست آن نهادیم تا بتوانیم بهای نفت را بالا ببریم که با ترشده هایی به مفت تاراج می شود. در آن روزگار باسر عرفات عزیزترین و اولین میهمان انقلاب بود و امروز او را به طعنه کلاتر یا بر نیس شهرپانی غزه صدا می کنیم. باری دنیا نه آن است که بود. مانیر آنچنان نمانده ایم. به همین تاولیل باید روابط با آمریکا را هم در قالب منافع ملی امروزی (نه دیروز و پریوزی) خود تعریف کنیم. آن چنان که رخش های آهنین امروزی را اعلف نمی توان خوراند و بنیزن سویر می طلبد، دیپلماسی امروز هم راهکار امروزی می طلبد. برای آسوده کردن خود از بند حکیم باشی هایی که هنوز با غتاب و سه پستان قصد دارند بیماران هموفیلی را چاره کنند و از سنبل طیب و راز یانه معجون سازند باید نخست این داستان روابط با آمریکا را از دستور جدال ها و رقابت های داخلی، شعار برای تهییج همگانی و سرمایه گذاری بر عادات سنتی خارج کنیم. همران احزاب با هم قرار بگذارند که از این شرگه برای زیر گرفتن از حریف استفاده نکنند تا بتوانن آن را به گران ترین بهای ممکن فروخت. عزت در آن است که مصلحت خود بچوبیم و در هر زمان به سلاح زمان خود مجهز باشیم. نه شرساری و عذرخواهی در این مقوله راه دارد، نه سلاح های کهنه و فرسوده جنگ های پیشین به کار نبردهای امروزی می آید. حتی گمان نمی رود چنان که یکی گفت رفتاردومی لازم باشد که این اهمیت دادن بیش از حد به طرف دیگر و کل ماجراست. مردم، نمایندگان و رئیسان و دولتمردان خود را برای آن برگزیده اند تا به جای آنان شرایط را بررسی کنند و بهترین تصمیم ها را بگیرند. حتی اگر کسانی را خوش نیاید چنان که کمتر دارویی است که به مذاق خورنده آن خود آید، به اعتماد طیبی است که گاه شوکران هم می توان نوشید. اگر این موجود به بطور طبیعی قصد ندارد یا به هستی گشاید، سزاین کردن آن هم راهی است.

اگر جست وجو برای یافتن تعریفی تازه از روابط ایران و آمریکاو به درآمدن از تاریکی به آن نقطه رهنمون شود که مذاکره و رابطه مفید تشخیص داده شود باید آن را بدون پرده پوشی و پنهانکاری، شفاف و روشن بیان کرد و به عمل رساند و در همان حال به خود گفت که این روابط چنان نیست که دوا ی همه دردهای ما باشد. بهشتی و فراوانی در آن نصیر نیست، چنین نیست که دروازه ای به روی ما باز شود رو به بهار. بلکه فقط و فقط نمایشد دهنده عزت و استقلال و معادای آن است که زمان پریشانی، ضعف و بدگمانی گذشت و روزگار استقرار، برپایی و مصلحت اندیشی رسید. و این این سرفرازان است که همواره آن کنند که باید و در دل گویند خدا یا مر آن ده که مرآن آه به

گروه داخلی - علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت

نظام گفت: «در قانون مقرر شده است که رهبری نظام پس از مشورت با مجمع

تشخیص مصلحت نظام سیاست های کلی کشور را اعلام کنند، به گزارش ایرنا وی درپوز در آستانه سالروز تأسیس مجمع تشخیص مصلحت

نظام به فرمان امام خمینی در سال ۶۶، گفت: «براساس نظر رهبر کبیر انقلاب

اسلامی و آنچه که در قانون آمده است، مجمع تشخیص مصلحت نظام وظیفه تعیین

سیاست های کلی نظام را بر عهده دارد.

هاشمی رفسنجانی حل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان و همچنین

معضلاتی که از طرق معمولی قابل حل نیست را از دیگر وظایف این مجمع عنوان

کرد. وی با تشریح عملکرد مجمع تشخیص مصلحت نظام از بدو تأسیس تا کنون

گفت: «این مجمع از ابتدا تاکنون حدود ۱۸۸ جلسه داشته است.

وی افزود: «در نخستین دوره مجمع تشخیص مصلحت نظام که ریاست آن بر

گروه داخلی - حبیب الله عسکرالاولادی دبیر کل جمعیت مؤتلفه

عسکرالاولادی دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی گفت: «امید

است وزارت ارشاد با حفظ احترام هم

صاحب قلم و هنرمندی، هر تعهد و قلم

مطهر را هم در سال آینده تقویت نماید تا

سال ۷۷ جیران شود.

دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی

هاشمی رفسنجانی:

رهبری نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت سیاست های کلی کشور را اعلام می کنند

عجده آیت الله خامنه ای بود ۷۰ جلسه تشکیل شد و در آن ۳۱ موضوع به تصویب

رسید که ۲۰ مورد مربوط به معضلات کشور، ۱۰ مورد درباره اختلافات شورای

نگهبان و مجلس شورای اسلامی و یک مورد نیز آئین نامه داخلی بود.

وی افزود: «از مجموع ۵۸ مصوبه، ۳۱ مورد مربوط به اختلافات مجلس شورای

اسلامی و شورای نگهبان، ۲۲ مورد معضل عمومی، ۳ مورد تعیین سیاست های

کلی و ۲ مورد آئین نامه داخلی جمیع بوده است.

وی گفت: «سیاست های کلی نظام که در حال حاضر در مجمع تشخیص

مصلحت نظام پیگیری می شود، مربوط به مسائل جدی آینده کشور است.

وی سه موضوع «ایجاد امنیت برای سرعما به گذاری خارجی در کشور، حفظ

محیط زیست، و امنیت قضایی» را از بحث ها و موضوعات در حال بررسی مجمع

تشخیص مصلحت نظام ذکر کرد و گفت: «در مواردی که مساله ای حالت فوریت

داشته باشد و این فوریت تشخیص داده شود در دستور کار مجمع قرار خواهد

گرفت.

گروه داخلی - ویکتور مدودچوک معاون مجلس

دبیر اسگ و رئیس سمدی معاون اروپا و

آمریکای وزارت امور خارجه ایران

گفت: «اوکراین خواستار خرید نفت و

امیدواری نسبت به توسعه و تعمیق

روابط دوجانبه، خواستار ایجاد تعادل

در مبادلات کالا میان دو کشور از طریق

افزایش صادرات ایران به اوکراین شد.

وی گفت: «کی یف باید تمهیداتی

را در مورد انتقال نفت و گاز ایران به

اوکراین بیابد بشد.

ندانست و گفت: «موضع ما ثابت و پایدار است و خود را موظف به اجرای

قراردادهای منعقدشده بین دو کشور

می دانیم.

سردی نیز در این دیدار با ابراز

امیدواری نسبت به توسعه و تعمیق

روابط دوجانبه، خواستار ایجاد تعادل

در مبادلات کالا میان دو کشور از طریق

افزایش صادرات ایران به اوکراین شد.

وی گفت: «کی یف باید تمهیداتی

را در مورد انتقال نفت و گاز ایران به

اوکراین بیابد بشد.

ندانست و گفت: «موضع ما ثابت و پایدار است و خود را موظف به اجرای

قراردادهای منعقدشده بین دو کشور

می دانیم.

سردی نیز در این دیدار با ابراز

امیدواری نسبت به توسعه و تعمیق

روابط دوجانبه، خواستار ایجاد تعادل

در مبادلات کالا میان دو کشور از طریق

افزایش صادرات ایران به اوکراین شد.

وی گفت: «کی یف باید تمهیداتی

را در مورد انتقال نفت و گاز ایران به

اوکراین بیابد بشد.

ندانست و گفت: «موضع ما ثابت و پایدار است و خود را موظف به اجرای

قراردادهای منعقدشده بین دو کشور

می دانیم.

سردی نیز در این دیدار با ابراز

امیدواری نسبت به توسعه و تعمیق

روابط دوجانبه، خواستار ایجاد تعادل

در مبادلات کالا میان دو کشور از طریق

افزایش صادرات ایران به اوکراین شد.

وی گفت: «کی یف باید تمهیداتی

را در مورد انتقال نفت و گاز ایران به

اوکراین بیابد بشد.

ندانست و گفت: «موضع ما ثابت و پایدار است و خود را موظف به اجرای

قراردادهای منعقدشده بین دو کشور

می دانیم.

سردی نیز در این دیدار با ابراز

امیدواری نسبت به توسعه و تعمیق

روابط دوجانبه، خواستار ایجاد تعادل

در مبادلات کالا میان دو کشور از طریق

افزایش صادرات ایران به اوکراین شد.

وی گفت: «کی یف باید تمهیداتی

را در مورد انتقال نفت و گاز ایران به

اوکراین بیابد بشد.

ندانست و گفت: «موضع ما ثابت و پایدار است و خود را موظف به اجرای

قراردادهای منعقدشده بین دو کشور

می دانیم.

سردی نیز در این دیدار با ابراز

امیدواری نسبت به توسعه و تعمیق

روابط دوجانبه، خواستار ایجاد تعادل

در مبادلات کالا میان دو کشور از طریق

افزایش صادرات ایران به اوکراین شد.

وی گفت: «کی یف باید تمهیداتی

را در مورد انتقال نفت و گاز ایران به

اوکراین بیابد بشد.

ندانست و گفت: «موضع ما ثابت و پایدار است و خود را موظف به اجرای

قراردادهای منعقدشده بین دو کشور

می دانیم.

سردی نیز در این دیدار با ابراز

امیدواری نسبت به توسعه و تعمیق

روابط دوجانبه، خواستار ایجاد تعادل

در مبادلات کالا میان دو کشور از طریق

افزایش صادرات ایران به اوکراین شد.

وی گفت: «کی یف باید تمهیداتی

را در مورد انتقال نفت و گاز ایران به

اوکراین بیابد بشد.

خرداد: محرم ۷۸ زمان اجرای استراتژی سرکوب

اکبر گنجی در مقاله ای با عنوان «کلیک خیال انگیز ایدئولوژی» پس از بیان تاریخچه ای از پیدایش ایدئولوژی و برشمردن وزیر گهپای آن از جمله دشمن سازی و دشمن کوئی، نظام جمهوری اسلامی را یک نظام ایدئولوژیک دانسته است. وی برای اثبات اینکه سر کوب و خونریزی ذاتی ایدئولوژی است به مقاله های کیهان و صبح و لئارات اینکه سر کرده و آنگاه بیان کرده است که «راست افراطی قرار است هر هفته یک یک همایش این نسخه ایدئولوژیک را به نوجوانان و جوانان جنگ ندیده تجویز کند تا در اواخر فروردین ماه ۱۳۷۸ - محرم آغاز گردد، محرم ۷۸ زمان اجرای استراتژی سرکوب است». گنجی نتیجه گرفته است: «ایدئولوژیک شدن دشمن تا ایدئولوژیک کردن دین نقض غرضی است که اولاً به نظام توتالیتر ختم می شود و ثانیاً به دلیل خشونت طلبی... راه گشای سکولاریسم و اتحاد خواهد بود».

کیهان: وزیر ارشاد کنار پرورد و کار را به اهلسن بسیار!

در ستون خوانندگان کیهان، بیامی چاپ شده از شخصی با عنوان م - الف - نویسنده و در آن آمده است: «من نمی دانم در وزارت ارشاد چه خبر است و آقای مهاجرانی دنبال چیست و از فرهنگ اسلامی و ملی این کشور چه می خواهد... آیا این مایه نگ نیست که به هوشندگی لوح زرین اعطا شود که همین حالا نیز در آن سوی مرزها در کنار دشمنان ملت قرار دارد و با تسخیر به این لوح و این ترانسم نظر بیندازد؟ آقای وزیر ارشاد بهتر است تا پیش از این خود را نزد مردم شایع نکرده اند کنار پرورد و کار را به اهلسن بسیار».

پیام هاجر: دینداری در جامعه ای سکولار

هفته نامه پیام هاجر پیش اول سخنرانی مهندس حمید انتظام را که در جمع ایرانیان خارج از کشور ایراد شده است با عنوانی که آمد درج نموده است. در بخشی از این سخنرانی مهندس انتظام می گوید: «چند روزی که در ایران بودم، یکی دو تا از شرکتها که از دوستان بنده هستند از من خواستند که با کسانی که در رشته کامپیوتر می خواهند استخدام شوند مصاحبه کنم. من برشمامه ها را ملا حظه می کردم. پرسیده بودم مذهب شما چیست؟ برای من که در غرب زندگی می کنم سؤال عجیبی بود. این سؤال را اگر شما در آمریکا از کسی در هنگام استخدام پرسیدید شما را زندانی می کنند... شما چند نرآید از کسی سؤال کنید که مهدیش چیست؟ به خاطر همین است که در آمریکا می بینید بنیاد های اسلامی از همه جا سیر می شوند کسی به شما نمی گوید در این جلسات علیه دولت توطئه می شود یا نه؟»

بی ستون

«یک سال بی ستون»

سید ابراهیم نبوی

چهارمی گفت: چاقو هم داریم. بعد چهارمین رفتند و کاملاً دقت کردند که یک عمل کاملاً خود سرانه انجام دهند. بعد، یک بار لیست منتشر شد، بعد چند چند پیدا شد، بعد یک گروه اطلاعیه شد که انواع عملیات را به عهده می گرفت. بعد یکی از آنها که بر نامه ۷۷ تلویزیون را خیلی دوست داشت گفت:

می - می بشد

و بعد تازه همه یادشان آمد که قتل های اخیر خیلی کار بدی هست و بعد آقای مهاجرانی که یک حرفهایی می زد یک حرفهای دیگری زد و بعد یک اطلاعیه منتشر شد. و بعد یواش یواش پرورنده ای که خیلی مهم بود مورد بررسی قرار گرفت.

مهاجرانی: مردی برای تمام فصول
مهاجرانی خیلی آدم جالبی است. آدم های جالب هم کارهای جالب می کنند و یکی از کارهای جالب هم این است که آدم یک کاری را بکنند و بعد فکر کنند باید یک کار دیگری بکنند.

او طویر بود که بعد از ماجرای قتل های زنجیره ای احمد بورقانی که احساس می کرد باید استعفا کند یک کار جالبی کرد.

اولی: چطور؟

دومی: بد نیستیم، این چه طرز حرف زدن!

اولی: من چیزی نگفتم.

دومی: یعنی منظور اینه که می خوای استعفا کنی؟

اولی: من گفتم می خوام استعفا کنم؟

دومی: تو گفتی می خوای استعفا کنی.

اولی: من؟

دومی: او؟

بعد گفتن قطع شد. بعد احمد بورقانی فکر کرد که خیلی خسته شده است.

بعد همه ناراحت شدند. مهاجرانی بعد یک طوری رفتار کرد که همه فکر کردند خیلی ناراحت است.

آردنه توقیف شد

مهاجرانی فهمیده بود که منظور قاتلین از قتل های اخیر این بوده که باید مجله آدینه توقیف شود، منتی چون کمی عصبی بودند و خوسله این کار را را ندانستند چند نفر را مقول و چند نفر را مقوق کردند. مهاجرانی با خودش فکر کرد که ما نباید احساساتی بشویم. به همین دلیل آردنه توقیف شد. بعدا مهاجرانی که دیده بود از مواضع زیادی عدول کرده است تصمیم گرفت مجوز کانون نویسندگان را بدهد.

قضیه انتخابات شوراها

انتخابات شوراها خیلی موضوع مهمی بود. و به همین دلیل بود که بیست سال طول کشید تا انجام بشود. بعد، یک مشت مخالف مسأله دار اخراجی بی صلاحیت رای آوردند و بعد...

چرا کدیور دستگیر شد؟

سال گذشته این سؤال خیلی مهم است. از نظر ما علت دستگیری کدیور به همان علت دستگیری دیگران بود. و ما طبیعی است که امیدوار باشیم در یکی دو روز چر کدیور آزاد بشود.

○○○

چند کلمه با خوانندگان پر نشاط جامعه

پارسال در حالی به شما تبریک عید را گفتم که کوه سنگین یک سال کار و تلاش و رنج و سختی را بر دوش داشتم، و می خواهم ساده و راحت بگویم که هرگز در تمام زندگی ام این حجم سنگین را مان را احساس نکرده بودم. سالی که سخت آمد و با رنج و ضادی گذشت.

به عنوان یک مسلمان ایرانی که به فرهنگ ملی ایران و دین مبین اسلام و مولای متقین علی بن ابیطالب (ع) عشق می ورزم سالی پر از شادمانی و رستگاری را برای تمام ایرانیان آرزو می کنم.

نشاط: وقت اضافی
یکی از تخمین های این نویسنده این است که معمولاً مهم ترین چیزها را فراموش می کنند و در همین راستاست که ما یادمان رفت که بگوییم نشاط هم منتشر شد. چرا نشاط منتشر شد؟ دلیل آن بنساز ساده بود، ما چاره جز انتشار نشاط داشتیم و آدم وقتی چاره ای جز انجام کاری نداشته باشد آن کار را انجام می دهد.

شماره اول و دوم

معلقه آیین، هنری، فرهنگی، اجتماعی

منتشر شد

تهران - صندوق پستی ۷۷۹ - ۱۳۱۵

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]



مهدوی کیا هم در بوندس لیگا «گل» کاشت

بوخوم تیم مهدی مهدوی کیا در تنها بازی عقب افتاده لیگ فوتبال آلمان (بوندس لیگا) دیر وقت سه شنبه شب در خانه خود - ۲-۰ بر هامبورگ چیره شد و با امتیاز حاصل، خود را یک پله در جدول بالا کشید و در رده سیزدهم مستقر شد تا امید بیشتری به ایفا در دسته اول و رهایی از سقوط بیابد. این بازی با گل اشتباهی دقیقه ۲۱ اندریاس فیشر مدافع هامبورگ به دروازه خودی، در نیمه اول با برتری ۱-۰ بوخوم پایان یافت. مهدوی کیا در دقیقه ۶۶ به تصمیم کلاوس تاپ مولر مربی آشنای بوخوم به جای درین سیچ وارد زمین شد و بافاصله بر جریان بازی تأثیر مثبت نهاد و توانست در دقیقه ۸۱ گل دوم بوخوم را در دروازه هامبورگ جای دهد.

این اولین گلی است که مهدوی کیا مهاجم سابق پیروزی تهران در بوندس لیگا به ثمر رسانده است و مطمئناً تاب مولر را به استفاده هر چه بیشتر از وی در کنار اشتخان کونتز مهاجم سرشناس و کهنه کار بوخوم تشویق خواهد کرد. مهدوی کیا در سه مسابقه قبلی بوخوم پس از شروع نیم فصل دوم پوندس لیگا نیز در مقطعی از بازی به میدان آمده و خودنمایی کرده بود.



لیگ دسته دوم کشور

بهمن به استقلال اهواز می تازد، فتح به استقلال رشت در دور زو پایانی سال، هشت تیم حاضر در لیگ دسته دوم کشور پنجه در پنجه یکدیگر می اندازند تا آنان که مدعی هستند صعود خود را به مرحله پایانی مسجل کنند و انانی هم که جا مانده اند از حیثیت خود دفاع کنند.

فردا جمعه ایرسوتر نوشهر میزبان تبرق تهران است. تیم نوشهری یک بار در تهران سند شکست برق را امضا کرده است و تاکنون توانسته است پیشواز گروه دوم لقب گیرد. تیم نوشهر برای آن که با خیالی آسوده به استقلال بهار رود در خانه نیز به پیروزی مقابل برق فکر می کند. در دیگر بازی این گروه مس کرمان از فجر خرم آباد پذیرایی می کند.

تیم گرمانی باخت در خرم آباد را تجربه کرده و آماده است تا انتقام بگیرد. علاوه براین مردان مس برای آن که به صعود امیدوار باشند می بایست میهمان خود را با گل های فراوان بدرقه کنند. اما در گروه مرگ، شنبه استقلال اهواز در خانه، بهمن را پیش رو دارد و فتح در تهران از استقلال رشت پذیرایی می کند.

اهوازی ها که دیگر امیدی برای صعود ندارند، می خواهند با شکست بهمن کسب آبرو بکنند. در حالی که تیم بهمن برای جانماندن از کورس مدعیان تنها به تکرار پیروزی مقابل این تیم فکر می کند.

فتح پیشواز کنونی گروه اول در رشت متحمل باخت یک بر صفر شد تا این دیندار را میدانی مناسب برای تلافی ببیند. شکست هر یک از این تیم ها در این بازی به سود بهمن است، چرا که این تیم در صورت پیروزی می تواند صدرنشین شود.

افشین پیروانی مسافر جدید بوندسلیگا

باشگاه دویسپورگ آلمان، به دنبال امضای قرار داد با افشین پیروانی است. به این منظور مدیر عامل باشگاه پرسپولیس روز سوم فروردین به آلمان می رود تا با مقام های این باشگاه وارد مذاکره شود و در صورت توافق طرفین، پیروانی هم به جمع مسافران بوندسلیگا اضافه خواهد شد. با این حساب مساله انتقال پیروانی به تیم ایلچواچونمای کره منتفی است.

به آخرین جمعه سال رسیدیم، جمعه ای که هر شازنده تیم حاضر در لیگ سراسری کشور به میدان می روند تا هفته بیست و چهارم این رقابت ها را پشت سر بگذارند.

شازنده تیمی که برای آخرین بازی خود در سال ۷۷ هدفی واحد دارند، رفتن به پیشواز بهار با پیروزی، همه به فکر عیدی دادن به هواداران خود هستند و عیدی گرفتن از حریف باید آهینه را به انتظار نکشست و دید کدام تیم عیدی می دهد و کدام یک عیدی می گیرد. در ضایقی که تهرانی ها در ورزشگاه آزادی برپا می کنند، سایپا از سیاهان اصفهان پذیرایی می کند، استقلال از مقاومت شهرداری تبریز.

ملوان از آب گل آلود پرسپولیس ماهی می گیرد

سرعت پرسپولیس که چهارده هفته مسیر لیگ را برای خود هموار دیده بود، در گذرگاه پاش گرفته شد تا از این پس بیشتر مراقب پیچ ها و گردنه ها باشد. سرخ پوشان پروین که خود را بیش از دیگران به جام قهرمانی نزدیک می بینند در این هفته به اتزلی رفته اند تا با ملوان دیدار کنند. دست بر قضا و از خوش اقبالی بازیچی ها کاروان پرسپولیس در این سفر تعدادی از بازیکنان کار آمد خود را به همراه ندارد.

احمد رضا عابدزاده و حمیداستیلی به دلیل سفر به آمریکا، کاپیتانور، اضرانرا با و باعتمیشه به خاطر همراهی با تیم ملی امید و محمدخانی و امامی فر، احتمالا به دلیل مصدوم بودن همنه و همنه ست در دست هم داده اند تا مربیان پرسپولیس در

زرنجه: انتخاب تیم ملی به سلیقه مربی است

می گویند: استقلال بهترین روزهای خود را می گذارند و هر روز آماده ترمیمی شود. من امیدوارم که این آمادگی تا پایان بازی های جام باشگاه های آسیا ادامه داشته باشد. چرا که هدف ما قهرمانی در این مسابقه هاست نه بازی های لیگ آزادگان.

لوئیس: چرا هالی فیلد اعتراف نمی کند؟

ماجرای لبرد ایوانز، هالی فیلد آمریکایی و لوئیس پر تایتانی که یکشنبه این هفته برای وحدت بخشیدن به عنوان جهانی دسته سنگین وزن بوکس در تالار مدیسون اسکوتر کارنر نیویورک برپا شد و به نتیجه مساوی منجر گردید و هدف فوق را برآورده نکرد، پواتانی ندارد و یا حرف ها و رجزخوانی و اتهام زنی های دیروز لوئیس و وایستگانش ایجاد وسیع تر و عجیب تر یافت.

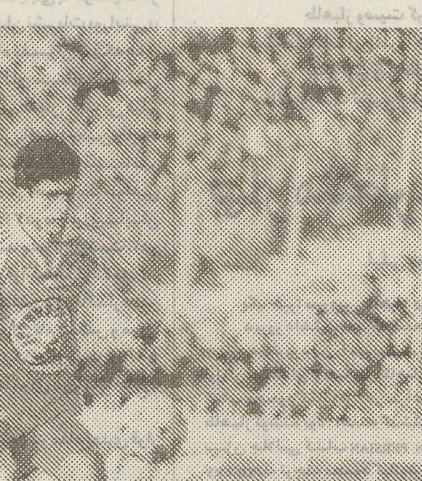
لوئیس ۲۲ ساله که با کارنامه ای مشتمل بر ۳۴ برد، یک تساوی و یک باخت هنوز از دین ستارگان بزرگ W.B.C قهرمان سنگین وزن دنیا محسوب می شود، دیروز درباره

هالی فیلد ۳۶ ساله که از دید دیگر سازمان های بزرگ حاکم بر بوکس (W.B.A و I.B.F) قهرمان جهان شناخته نمی شود، گفت: من تعجب می کنم که چرا هالی فیلد به برتری من اعترا ف نمی کند. او طی مسابقه کابلاً زیر سایه من قرار داشت و باید مثل یک مرد شکست را بپذیرد و دو گرمیدن قهر مالی اش را برای من بفرستد ام هنوز از نتیجه آرای داوران در حالت

پیش از سال تحویل، کی عیدی می دهد و کی عیدی می گیرد

واریز کند می تواند به ماندن در بین دسته اولی ها امیدوار شود. در بازی دیگر دیار زاینده رود هم دقیقاً همین منطق حکمفرماست. مشهدی ها که مزه پیروزی (۱- ۲) بر ذوب آهن را چشیده اند همچون باس به فکر صعود هستند و ذوب آهن نیز به فکر فرار از سقوط.

در نخلستان آبادان، چو کا میهمان صنعت نفتی ها است صنعت نفت اولین تیمی بود که توانست در خانه چو کا امتیاز بگیرد. اما حالا به کلی وضعیت تیم آبادانی ها برعکس شده است و این بهترین فرصت برای مردان شهر تالش است تا بر اندوخته های خود بیفزایند - تراکتور سازان تبریزی بعد از این که در تهران، بانک ملی را با نتیجه برگل (۱- ۲) مغلوب



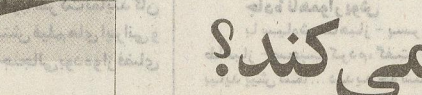
برای استقلال وضعیت اضطراری است

استقلال برای این بازی زرنجه را به دلیل دو اختراع بودن در اختیار ندارد و به احتمال زیاد رهبری خط دفاعی خود را به خرمگاه می سپارد. در کنار و پختیار زاده و حسن زاده قرار می گیرند تا دیوار دفاعی مستحکم جلوی دروازه برومند درست کنند.

گلر از این دیوار به عیده مهاجمانی چون عبد نصراللهی و نوروزی است ضمن این که غلام حسین دین محمدی بعد از سه ثمر رساندن هفت گل در این رقابتها می تواند نقش هافبک نفوذی را ایفا کند و در برابر استقلال نیز هر گلزنی خود را نشان دهد.

در خانه میدان گرفتن نبش بازی برای استقلال با به عیده سیروس دین محمدی و مجیدی است و در خط حمله وظیفه گلزنی بردوش حیدری و ملیکان است.

ساکل جباری و علی نوری دو مدافع با تجربه بهر داری در محافظت از دروازه سیروس پیرامی وظیفه سنگینی به عیده دارند و باید در مدافعان تبریزی توان مقاومت مقابل مهاجمان تهرانی را دارند یا خیر؟



روی خط فوتبال جهان

«تستا» با لازیو تمدید کرد

اله ساندرو تستا مدافع ملی پوش و مطرح تر فوتبال لازیو ایتالیا روز گذشته قراردادش را با این باشگاه به مدت ۵ سال (۵ سال ۲۰۰۴) تمدید کرد.

تستا که پرورش یافته در تیم جوانان لازیو است، پس از اتمام مصدومیت ۵ ماهه اش و بازگشت به میدان (از آذرماه) به رغم جوانی که کاپیتانی این باشگاه منسوب شده است.

فوگنس: ما سقوط می کنیم!

برتی فوگنس مربی پیشین تیم ملی فوتبال آلمان که اخیراً به عنوان یکی از اعضای هیات رئیسه باشگاه سابق خود بوروسیا مونشن گلادباخ به این تیم پیوسته است، دیروز گفت این تیم قهرنشین لیگ دسته اول آلمان از سقوط به دسته ای پایین تر نجات نخواهد یافت.

هنوز ۱۲ بازی برای ما مانده است. هر چیزی ممکن است و آن هایی که می خواهند سنگ تمام نگذارند، به ما بگویند که خودمان از حالا کنارشان بگذاریم.

قیصر: بازی زیبا مهم تر از فتح جام ها است

فرانس بکن باوئر رئیس افسانه ای باشگاه فوتبال بایرن مونیخ پیشواز مطلق لیگ آلمان و فینالیست جام حذفی این کشور دیروز گفت پیش از آن که در پی فتح جام ها باشد، به ارائه بازی های زیبا اهمیت می دهد.

قیصر فوتبال آلمان اظهار داشت: ما هر جام ممکن را برده ایم و بنابراین مهم این است که با ارائه نمایش های خوب تماشاگران را راضی کنیم.

مارکو زیمر در راه هرتابرلین

مارکو زیمر مدافع ملی پوش تیم فوتبال هانسا روستوک قهرنشین لیگ آلمان در راه انتقال به هرتابرلین تیم مقیم این لیگ قرار دارد. به گفته دیتر هونیس مدیر کل باشگاه هرتابرلین به ریمر ۲۶ ساله قرار دادی ۴ ساله پیشنهاد شده و یا در ابتدای تابستان اسمال و یارژون ۲۰۰۰ به هرتا خواهد پیوست.

کلینزمان: وضعیت فوتبال آلمان خطرناک است

یوزف کلینزمان ستاره و کاپیتان سابق تیم ملی فوتبال آلمان روز پیش وضعیت فعلی فوتبال این کشور را «اسباب نگرانی» خواند. کلینزمان که با سابقه انجام ۱۰۸ بازی ملی و عضویت در تیم های بزرگی چون اتنریمیلان، تاتنهام و بایرن مونیخ و فتح جام جهانی ۱۹۹۰ چندی پیش کفش ها را آویخت، دیروز در مصاحبه ای با شبکه خبری اسی ان، گفت: «فوتبال آلمان در بحران بسر می برد و اکنون فاقه روحی قوی است و برای احیای تیم ملی کشور، می باید اقداماتی اساسی را انجام داد».

کلینزمان ۳۵ ساله همچنین گفت تنها افسوس اش این است که هیچ گاه نتوانست در ژنل مادرید تیم پرسافت و معتبر فوتبال اسپانیا و جهان عضویت یابد.

لیدز: ما وان هویدونگ را نمی خواهیم

پیتر ریگز دپل رئیس و دیوید اوئری سرمربی ایرلندی باشگاه فوتبال لیدز انگلستان شایعه پیوستن پیی بر وان هویدونگ مهاجم قدرتی و هلندی ناتینگهام فارست را به تیم خود، دیروز تکذیب کردند. لیدز اواسط آذرماه با ارائه پیشنهادی ۵ میلیون پوندی خواستار استخدام وان هویدونگ که روالش با سایر اعضای ناتینگهام قدرتی تیره است، شد. اما این باشگاه قهرنشین لیگ برتر انگلستان پیشنهاد لیدزی ها را رد کرد و اکنون نیز امیدهای بسیار کم خود را برای ایفا در این لیگ، در ساق و گلزنی همین بازیکن می بیند.

تاتنهام با گل زیبای «ژینولا» فرانسوی صعود کرد

در آخرین بازی باقی مانده از مرحله یک چهارم نهایی جام حذفی فوتبال باشگاه های انگلستان تاتنهام ۱-۰ بر بارنزلی چیره شد.

تک گل این بازی را که دیووت سه شنبه شب انجام پذیرفت، دیوید ژینولا فرانسوی به شکل زیبایی در دقیقه ۶۸ دروازه بارنزلی جای داد. در مرحله نیمه نهایی تاتنهام با نیو کاسل - تیم رود گولیت هلندی - مصاف خواهد داشت.

تیم میاوند ۵-۰ برد

در هفته نینست و سوم لیگ فوتبال آتریش که دیروقت سه شنبه شب برگزار شد، اشتورم گراتس صدرنشین این مسابقه ها و تیم مهردان میاوند، در برابر فوروارتز اشتیر تیم آخر جدول صاحب پیروزی کوبنده ۵-۰ شد و برتری خود را بر رابیندوین تیم دوم جدول به ۲ امتیاز افزایش داد.

رابیندوین در این شب به نتیجه ای بهتر از تساوی ۱-۱ در زمین استرابوین حریف قدیمی و سنتی خود دست نیافت.

سایپا و سیاهان دو همسایه قدیمی جدول لیگ آزادگان برای ماندن در مکان های دوم و سوم تنها به پیروزی فکر می کنند و در این بین نارنجی پوشان سایپا که آبی پوشان استقلال را پشت سرخود می بینند انگیزه بالاتری دارند. دیدار رفت دو تیم با تساوی یک بر یک خاتمه یافت. در نصف جهان هم بازار لیگ پررونق است. ذوب آهن، ابوسلم مشید را پیش رو دارد و پلی اکریل میوبان پاس است. پاسی ها که برتری ۱-۲ بازی رفت را در کارنامه دارند حالا بعد از غلبه بر پرسپولیس با روحیه ای بالا به اصفهان رفته اند تا با پیروزی برپلی اکریل، پله های صعود به مکان های بالاتر را برای خود بیچینند.

پلی اکریل نیز می داند اگر سه امتیاز این بازی را به حساب خود

بهر حال پرسپولیس با همین نفرات

برای داود قنایی غیبت عابدزاده فرصت مناسبی است تا درون دروازه پرسپولیس بایستد و شایستگی های خود را نشان دهد. رهبری فرد، هاشمی نسب دو مدافع پر تلاش پرسپولیس دیگر نمی خواهند اشتباه کنند. رضا صفرخواه و بابان رافت دو دلیل قلدر ملوان بازی گلر از دیوار دفاعی حریف، قلب آن تیم را نشان

می گیرند ضمن این که به ارسال توپ های بلند و پاس های عرضی از ذو آب گل آلود میهمان خود ماهی بگیرند. تیم پرسپولیس که پیروزی بگ بر صفر دور رفت برابر ملوان را در کارنامه دارد این بار نیز قصد دارند پروبال قوی سیدرا قیچی کنند و قد و دلی باخت به پاس را بر سر این تیم خالی کنند.

فرصت مناسبی است تا درون دروازه پرسپولیس بایستد و شایستگی های خود را نشان دهد. رهبری فرد، هاشمی نسب دو مدافع پر تلاش پرسپولیس دیگر نمی خواهند اشتباه کنند. رضا صفرخواه و بابان رافت دو دلیل قلدر ملوان بازی گلر از دیوار دفاعی حریف، قلب آن تیم را نشان

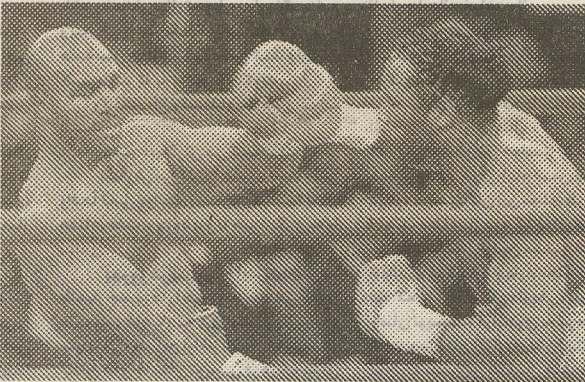
می گیرند ضمن این که به ارسال توپ های بلند و پاس های عرضی از ذو آب گل آلود میهمان خود ماهی بگیرند. تیم پرسپولیس که پیروزی بگ بر صفر دور رفت برابر ملوان را در کارنامه دارد این بار نیز قصد دارند پروبال قوی سیدرا قیچی کنند و قد و دلی باخت به پاس را بر سر این تیم خالی کنند.

فرصت مناسبی است تا درون دروازه پرسپولیس بایستد و شایستگی های خود را نشان دهد. رهبری فرد، هاشمی نسب دو مدافع پر تلاش پرسپولیس دیگر نمی خواهند اشتباه کنند. رضا صفرخواه و بابان رافت دو دلیل قلدر ملوان بازی گلر از دیوار دفاعی حریف، قلب آن تیم را نشان

زرنجه: انتخاب تیم ملی به سلیقه مربی است

کاپیتان با تجربه ایی پوشان درباره دعوت نشدن سیروس دین محمدی که از سبوی کشتفراسیون فوتبال به عنوان بهترین بازیکن ماه انتخاب شده بود، گفت: انتخاب بازیکن به سلیقه مربی برمی گردد که از میان نفرهای حاضر، بهترین

لوئیس: چرا هالی فیلد اعتراف نمی کند؟



شوگ به سر می برم

محمدعلی کلی قهرمان افسانه ای و ایک بازنشسته این وزن نیز پیروز شده؛ مالونی گفت: بوکس عوض شده است و هر چند لوئیس جذابیت محمدعلی را ندارد، اما اگر این دو مقابل هم می ایستادند، محمدعلی هر بوکسولیس پرو توان بر و بزرگ تر از خود می شد و اصولاً در برابر سنگین وزن های عصر فعلی کم می آورد.

مسابقه دوم در ویمبلی خواهد بود؟

در همین حال روزنامه شان بریتانیا گزارش داد که هالی فیلد با انجام

سنگتال باشگاه های آمریکا

پیرمردهای «راکتز» درخشینند



حیت ۹۴ - واشینگتن و یازاردز ۸۵، نیویورک نیکسز ۱۱۳ - لس آنجلس گرینجز ۸۹، لس آنجلس لیکرز ۱۰۷ - مینه سوتا تیمبروولوز ۱۰۱، تورونتو رپتورز ۱۰۰ - نیوجرسی نتز ۸۵، فونیکس سانز ۱۱۰ - میناگوکی باکز ۹۲، سیاتل سوبرسونیکز ۸۷ - ونکوور گریز لیز ۸۵، سن آنتونیو اسپرز ۱۲۱ - ساکر آمنتو کینگز ۱۰۹.

